

هشدار امام!

((...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم ... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است...))

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاسی. اجتماعی. فرهنگی

سپاسی

سال سی و دوم / شماره ۲۳

شماره مسلسل ۱۴۲۲

نیمه اول اسفند ماه ۱۳۹۰

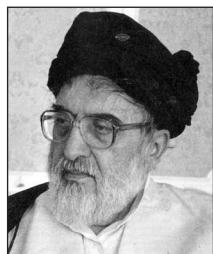
۲۰۰ تومان

در گفتگویی با استاد خسروشاهی

بررسی شد:

سلفی های مصر و:

ارتجاع عرب



صفحه ۶

آیت الله مقتدایی:

علامه عسگری
مرزبان اعتقادات
مردم بود



صفحه ۹

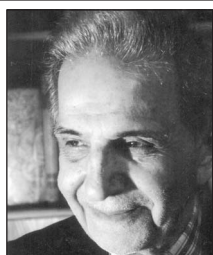


قم بعد از ورود حضرت معصومه (س)
قبله آمال شیعیان شد

صفحه ۸

گزارشی مشروح درباره:

اثری زیبا و
ماندگار از
دکتر رزمجو



صفحه ۲

آسیب شناسی
کتاب های دینی و
حوزوی توسط
آیت الله استادی



صفحه ۸

اگر در آن لحظه
رندی از شهید
مطهری عکس
گرفته بود...



صفحه ۳

به نظر هانری کربن، فلسفه و حکمت
شیعی می تواند بشر را از بی معنایی
نجات دهد:

حکیم غرب؛
زائر شرق



صفحه ۷



البحرین
ثورة المظلوم علی الظالم

بحرین یک سال بعد از بیداری اسلامی

نگاهی آماری به دلایل آمریکادر جلوگیری
از تحقق انقلاب بحرین

صفحه ۴

تازه های مرکز اسناد انقلاب اسلامی

به کوشش استاد سید هادی خسروشاهی



اعلامیه های صادر شده با
امضای حوزه علمیه قم



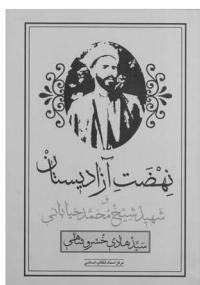
ثقة الاسلام تبریزی
شهید نامدار عاشورا



بعثت
نشریه مخفی طلاب حوزه علمیه قم
۱۳۴۲-۴۴



انتقام
نشریه مخفی طلاب حوزه علمیه قم
۱۳۴۲-۴۴



نهیست ازادبستان
و شهید شیخ محمد خیابانی



اعلامیه ها و بیانیه های
فلا و طلاب حوزه علمیه قم

تلفن مراکز فروش: تهران (۰۲۱-۲۲۲۱۱۱۹۴) قم (۰۲۵۱-۷۷۳۶۴۲۴)
جهت خرید اینترنتی می توانید به سایت www.ketabeparsi.com مراجعه فرمائید.

آیت الله مکارم شیرازی با اشاره به جسارت نظامیان آمریکایی به قرآن:

اهانت به قرآن کریم و سکوت کشورهای اسلامی را محکوم می کنیم

عاملان این حادثه را مجازات کنید، عذرخواهی کافی نیست آتش زدن قرآن از قتل پدر انسان بدتر است و با عذرخواهی درست نمی شود.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی یادآور شد: از آن بدتر اینکه همان کاپیتولاسیونی که در زمان شاه تصویب شد و امام در برابر آن موضع گرفتند، در کشور افغانستان نیز گرفتار آن شده اند و مفهوم آن این است که هر جرمی سربازان آمریکایی مرتکب شدند قابل محاکمه در آگاه های افغانستان نیست و همین امر سبب شده که یکصد بگوند باید بیگانگان از کشور ما بیرون روند و خوشبختانه این اثر ظاهر شده و بسیار خوب است.

این مرجع تقلید تاکید کرد: ما به شدت اهانت به قرآن کریم را محکوم می کنیم و کشورهای اسلامی که به خاطر ملاحظه اربابان خود در قبال این اتفاق سکوت کنند آنها را نیز محکوم می کنیم.

وی اضافه کرد: نتیجه ای که می توانیم از این جریان بگیریم این است که تا زمانی که بیگانگان که مخالف اسلام و مقدسات اسلام هستند در ممالک اسلامی هستند، همین مشکلات پا برجا خواهد بود.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی با تاکید بر اینکه جنایات اشغالگران در کشور عراق در تاریخ بشریت سابقه نداشته است، امت اسلام را به هوشیاری در برابر استکبار فراخواند و گفت: مسلمانان باید همت کنند و اشغالگران را از کشورهای خود بیرون کنند.



حضرت آیت الله مکارم شیرازی، با محکوم کردن اهانت به قرآن کریم و آتش زدن این کتاب آسمانی از سوی نیروهای آمریکایی در یک پایگاه در کشور افغانستان، گفت: ملت های مسلمان باید همت کنند و اشغالگران را از کشورهای خود بیرون کنند.

حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی از مراجع تقلید در آغاز درس خارج فقه خود که با حضور طلاب و روحانیان در مسجد اعظم قم برگزار شد، اهانت به قرآن کریم از سوی نیروهای اشغالگر در کشور افغانستان را محکوم کرد.

این مرجع تقلید با بیان اینکه اخیرا فاجعه ای در افغانستان واقع شد و جهان اسلام را تکان داد، گفت: روز اول اسفندماه در یکی از پایگاه های آمریکایی ها در افغانستان تعدادی از قرآن ها را به آتش کشیدند.

وی افزود: با درز کردن این مساله و خبر آن به بیرون، غوغایی در افغانستان ایجاد شد و تظاهرات و حمله به مراکز آمریکایی ها به قدری زیاد بود که آنها برای جلوگیری عده ای را کشته و زخمی کردند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی تاکید کرد: با وجود اینکه سران کشورهای اسلامی این اقدام را محکوم کرده اند، ما ندیدیم عربستان سعودی محکوم کند، آمریکایی ها و حتی رئیس جمهور این کشور وقتی دیدند اوضاع خیلی خراب شده عذرخواهی کردند ولی فایده ندارد.

این مرجع تقلید اضافه کرد: مردم این کشور می گویند باید

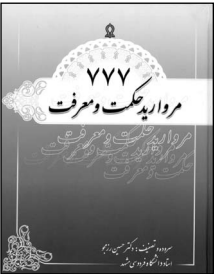
۷۷۷ مروارید حکمت و معرفت، تازه ترین اثر منظومی ست که اخیراً توسط شاعر متعهد فرزانه استاد دکتر حسین رزمجو از سوی انتشارات قَاف در

مشهد مقدس به زیور طبع آراسته شده و در ۳۱۲ صفحه به طالبان کتاب های آموزنده و خواندنی اهدا گردیده است. این کتاب نفیس که در قلمرو ادبیات معاصر همتایی را برایش نمی توان یافت؛ به گفته سَرائنده اش - به واقع: مکمل یا تکمله ای است بر دوره سه جلدی "هزار گوهر معنی" که در سال ۱۳۸۷ شمسی -از ایشان -در مشهد طبع

و نشر گردیده. زیرا به هنگام سرودن این منظومه که در قالب رباعی ست و موضوعات عمده یا بُن مایه های اصلی اش: توحید پروردگار متعال و آثار صنع او در آفرینش و دیگر اصول آیین آسمانی اسلام یا: نبوت، امامت، عدالت و قیامت، همچنین فروع دینات و مطالب دیگری نظیر شناخت انسان و روابط این گلِ سرسبد آفرینش با خداوند و مباحثی است درباره آزادی، شهادت و شهید، تعلیم و تربیت، هنرها، سیاست و... و با توجه به این که میان قالب های "رباعی" و "دوبیتی" مشابهت هایی ست جز در اوزانشان، بنابراین در زمان به سلک نظم کشیدن مجموعه رباعیات "هزار گوهر معنی" چون گهگاه متوجه می شدم که به جای رباعی، دوبیتی سروده ام، و در پایان کار: از آن جا که تعداد این دوبیتی ها به رقمی معننابه رسیده بود، تصمیم گرفتم که بر وسعت دامنه مضامین و شمارگان آنها بیفزایم. و بر اساس طبقه بندی موضوعی دقیق تقسیمشان کنم، که حاصل انجام این برنامه - که حدود دو سال وقت مرا گرفت - مجموعه ای شد به نام ۷۷۷ مروارید حکمت و معرفت که اینک در دسترس خوانندگان سخن سنخ گرامی قرار دارد. (۱)

پدیدآورنده دوبیتی های مذکور، همچنین در پیشگفتار خود بر این مجموعه، پس از توضیحات لازمی که درباره دو واژه "حکمت" و "معرفت" از نظر لغوی و از لحاظ فرهنگ قرآنی و روایی با استناد به مراجعی معتبر ارائه کرده، به انگیزه نامگذاری منظومه خود با عنوان ۷۷۷ مروارید حکمت و معرفت این گونه توجیه نموده و نگاشته است که:
عَلت انتخاب عدد مزبور برای تعداد دوبیتی های موجود در آن مجموعه، با توجه به این که عدد هفت از قدیمترین ازمنه تاریخ در فرهنگ های اغلب ملت های جهان و اقوام مختلف -از جمله ایرانیان -داری اهمیت و مورد نظر بوده است و یا به قول علامه علی اکبر دهخدا در لغت نامه -ذیل واژه هفت-:
این عدد برای امور نیک و ایزدی به کار می رفته و در سنن و آداب ما (ایرانیان) اهمیت زیادی داشته است. و چون شماره بعضی از آثار صنع الهی نیز عدد هفت می باشد، نظیر: هفت طبق آسمان و زمین، هفت رنگ، هفت روز هفته و دیگر مثال هایی که سَرائنده در پیشگفتار خود ارائه کرده(۲) و بر این قیاس است اعداد ۷۰ و ۷۷ نیز که غالباً به معنی کثرت استعمال می شود. چنانچه در آیه ۸ سوره التوبه ۹/ همچنین در نیایش ها و ادعیه اسلامی شواهد آن زیاد است. لذا به هنگام نامگذاری ترکیب عدد - ۷۷۷ که در آن سه بار عدد هفت به کار رفته، و از سویی چون تعداد دوبیتی های ارائه شده در این اثر نیز همین اندازه است، با عنایت به بار معنوی و جنبه تیمن و تبرکی که قدما به ویژه پیشوایان اسلام و بزرگان فرهنگ ملی ایران برای این اعداد قائل بوده اند و با در نظر گرفتن توضیحاتی که درباره دو واژه "حکمت" و "معرفت" ضمن پیشگفتار کتاب مورد بحث داده شده است، عنوان ۷۷۷ مروارید حکمت و معرفت برای این مجموعه انتخاب مناسبی به نظر رسیده است.

و شاید یادآوری این نکته درباره دوبیتی هایی که قالب منتخب اشعار مجموعه ۷۷۷ مروارید است لازم باشد: که با آنکه از دیدگاه برخی سخن شناسان آشنا با ادبیات فارسی این قالب چون به زبان عامه



مردم ایران و لهجه های محلی سرزمین ما نظیر لری و گیلکی نزدیک می باشد، واژه های به کار رفته در آن ساده تر از دیگر انواع شعر است و به ویژه از نوع رباعی لطیف تر، زیباتر و دلنشین تر بوده و طبایع به آن گرایش بیشتری دارند، لذا شاعرانی عارف این قالب را برای بیان اندیشه ها و احساسات خود برگزیده اند که از میانشان شهرت باباطاهر همدانی (ف: ۴۱۰ ق) از دیگران بیشتر است. با آنکه بنا بر تحقیقاتی که درباره دوبیتی های اصیل سروده باباطاهر تاکنون به عمل آمده است، از جمله پژوهشی که کلمان هوارت - Celemant Hoart -ایرانشناس فرانسوی انجام داده، و مجموعه آنها را ۵۹دوبیتی دانسته و به زبان فرانسوی ترجمه کرده و در مجله آسیایی (Journel Asiatique) چاپ و منتشر ساخته است(۳) از این تعداد محدود باقیمانده از بابا بجز چندتایی از آنها که از لحاظ شیوه بیان و موضوع، عالی و قابل توجه می باشد، بقیه شان به علت کاربرد لغات لری در متنهایشان، رسا و قابل فهم برای گروهی از فارسی زبانان نیست.

بنابراین می توان گفت که بی گمان مجموعه ۷۷۷ مروارید حکمت و معرفت: مفصل ترین، متنوع ترین، زیباترین و آموزنده ترین اثر در قالب دوبیتی است، که طبق طبقه بندی موضوعی منظم به سلک درآمده و از ویژگی های معنوی و لفظی آن، غیر از لطافت و سادگی و جاذبیت بیان، آموزندگی بُن مایه ها و موضوعات مطرح شده در آن می باشد، که در دوازده بخش با آین ویژگی منظم گردیده که اغلب بخش ها و تقسیمات داخلی آنها با عبارت یا آیه ای از کلام خداوند یا سخنی از نبی اکرم(ص) آغاز شده و پس از آ دوبیتی هایی با موضوعات مرتبط با آن آیات و احادیث به سلک نظم درآمده است. به عنوان مثال بخش اول این مجموعه که درباره ذات باریتعالی و راه فطری خداشناسی ست، و با آیه ۲۵۵ سوره مبارکه البقره ۲/ اَللّٰهَ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ... لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ... آغاز گردیده، پس از آیه مذکور، دوبیتی هایی نظیر ذیل ارائه شده:
در اثبات خدا، نبود نیازی:

که با برهان وُرا مَدلول سازی!
نگر بر خویش یا بر ماه و خورشید:
که تاره یا بیش بی کشف رازی(۵)
و طبقه بندی موضوعی در بخش های دوازده گانه این مجموعه به ترتیب ذیل است.

بخش نخستین به خداشناسی و بررسی صفات جماله و جلّاله پروردگار -که عین ذات بی همتای او هستند -اختصاص دارد. و در بخش دوم که عنوانش: آینه هایی از عظمت خداوند یا وصف هایی از مناظر و زیبایی های طبیعت و خلقت شگفت انگیز وجود انسان می باشد، به ترتیب حروف الفبایی سرفصل هایشان که ذیلاً نقل شده درباره این مظاهر قدرت باریتعالی دوبیتی هایی ارائه گردیده:

آسمان شب، آوای مرغان سحر، ابر و باد و توفان، انسان و دنیای شگفت انگیز آفرینش او، باران و لطایف آن، باغ در فصل گل، بوسه نسیم بر چهره گلها، بهار و جلوه های آن، چهار فصل، دریا، رنگین کمان، زیبایی های عشق معنوی، سحرگاه و گفتگوی گل با بلبل در این هنگام، طلوع و غروب آفتاب، عناصر چهارگانه بنیادین جهان، ماه، چراغ آسمان، نسیم بامدادی بهاران و... و ضمن این دوبیتی ها زیباترین یا دل انگیزترین توصیفات از آثار صنع الهی که راه هایی ست محسوس در شناخت ذات باریتعالی آورده شده، که نمونه ای از آن ها در توجیه و تفسیر آیه ۱۱۵ سوره مبارکه البقره ۲/ در نظیر این دوبیتی ها مشاهده می شود:

خدا را آفرینش جُمله زیباست!

فرهنگی

گزارشی مشروح درباره:

اثری زیبا و ماندگار از دکتر رزمجو

به هر چه بنگری خوب و فریباست!
تجلیِ جمالش آشکار است:

به هر چیزی که در دنیا و عقباست!
*

رُخش تابانتر از خورشید و ماه است
رهش هموارتر وادی و راه است
به هر جا بنگرم بینم جمالش:

چه عالم جمله او را تخت و گاه است
*

به هر جا بنگرم از او نشانی ست!

به هر سو سر زَم وی را مکانی ست
ولی با آنکه آثارش هُیوِداست

نمی بینم ورا، گویی که جانی است(۶)
و درباره انسان، گل سر سبد آفرینش خداوندی و دنیای شگفت انگیز وجود وی این گونه مضامین را می خوانیم:

بشر بخشی است از فیض الهی
و بعد دیگرش کَهر ز کاهی!

اگر با عقل گردد، اوج گیرد

چه شیطانش کُشد سوی تباهی!(۷)
در بخش های سوم و چهارم که مربوط به پیامبران اولوالعزم، به ویژه حضرت محمد(ص) خاتم النبیین و جانشینان راستین او: دوازده امام تشیع علوی است، به نقش حیاتی این سفیران بزرگ الهی در رهنمود جوامع بشری اشاراتی شده و دوبیتی هایی در ستایش مقام آنان نظیر دو نمونه ذیل که به ترتیب در نعت رسول اکرم(ص) و مولی الموحدین امام علی بن ابیطالب می باشد، سروده شده است، دیده می شود:

محمد(ص) شمع جمع عالم ماست:

به نور خویش دنیا را بیاراست
چو خورشیدی فروزان کرد روشن:

شب تاریک کفر و جهل ناراست!(۸)
*

علی(ع) را آسوه خود در جهان گُن

از او مردانگی آموز و آن کن:
که او در جنگ خندق با عدو کرد

تو زو آماده بهر خود جنان کن!(۹)
و پس از بزرگداشت این دو پیشوای بزرگ اسلام، در دوبیتی ذیل:

محمد(ص) با علی(ع) از یک سرشتند

ز نور واحدند و در نوشتند:

ره عزّ و کمال معرفت را:

ز خود قرآن و سنت را بهشتند!(۱۰)
سَرائنده درباره دیگر امامان هُمام تشیع علوی، از امام حسن مجتبی(ع) تا امام دوازدهم: حضرت صاحب الامر امام زمان(عج) و گزیده ای از سخنان ایشان را در دوبیتی هایی زیبا و آموزنده به سلک نظم درآورده و این بحث جالب را با یادکردی از قائم آل محمد(ص) و انتظار مسلمانان از فرج شریفشان با این دوبیتی بلخ:

جهان در انتظار است ای عزیزم

بیا تا جان به پای تو بریزم
به شمشیرت شکن دست جفا را
به با کُن عدل تا از وِجد خیزم!(۱۱)
و دوبیتی های پیوسته ذیل به پایان رسانیده، که مضمون آنها نکته ای است بسیار مهم و تازه که متأسفانه مدتی ست افرادی بی خبر و معرض در صدند تا با انتشار آثار گمراه کننده ای نظیر: ظهور نزدیک است از موضوع غیبت امام زمان سوء استفاده کنند. و آن را تحریف نمایند. درونمایه این دوبیتی های پیوسته، ترجمه منظومی ست از سخنان نغز امام زمان(عج) از جلد دوم - ص - ۴۷۴ کتاب الاحتجاج، تألیف: ابومنصور أحمدبن علی ابیطالب طبرسی که از اکابر علمای امامیه در اواسط قرن ششم می باشد، نقل شده(۱۲):

- ز بال پشه ای کمتر بهایش

پیشگفتار

بود آن دین که شَأن و عزّ و جایش
ز سوی جاهلان گردد مُعین
کُند نادانی و غفلت بنایش!

- جگر سوزد مرا زین آفت شوم
نماید قلب من رنجور و مغموم:

چه گر جهل و حماقت حکم راند:

شود نوع بشر از نور محروم!
- ز نور دانش و عدل الهی:

که باشد چون نسیم صبحگاهی:

که جان بخشد به موجودات عالم
کند روشن جهان از مه به ماهی:

- ظهور ما براندازد جفاکار

بسوزاند بنای جهل و ادبار!
- سراسر گردد عالم باغی از علم

در آن روید عدالت جای هر خار!(۱۳)
بخش پنجم ۷۷۷ مروارید که اختصاص به قرآن مجید - کتاب آسمانی اسلام دارد، در دو قسمت به ترتیب: که ابتدا در بیست دوبیتی عظمت قرآن از لحاظ هدایت، جامعیت، بلاغت نظیر دوبیتی ذیل بیان شده:

بود قرآن کتاب وحی و فرقان:

که باطل را کند از حق، جدا آن
بجوی از این هدایت نامه راهت:

به سوی ایزد یکتای مَنّا!(۱۴)
و در قسمت دوم بخش پنجم در چهل و چهار دوبیتی نغز به چهل و چهار مضمون اخلاقی، عرفانی، اجتماعی کلام الله مجید یا دستورالعمل های اساسی آن اشارت شده، نظیر:

بدان که دوستان حق نترسند:

به غیر از او و نه غمناک هستند
چه دلهایشان بود محکم به یادش

- به پاداشی که از شیطان برستند(۱۵)
*

به قرآن است این پند دل آویز:

که بر جبل خدا، در جمع آویز!
برای تفرقه هرگز مکن فکر

ز بهر وحدت دینت به پا خیز!(۱۶)
و در بخش ششم که پیرامون دعا و نیایش و اهمیت آن و شرایط استجابت دعا نکته هایی آموزنده ارائه شده، قریب به چهل نیایش با خداوند نیز در دوبیتی های عارفانه بیان گردیده است.

و بخش هفتم ۷۷۷ مروارید که عنوان آن: انسان گل سر سبد آفرینش می باشد، درباره پایگاه رفیع فرزندان آدم در آفرینش و روابط متقابل آنها با خداوند است. و سَرائنده زاد و توشه شایسته راه تکامل انسان و سرمایه های پیشرفت او را در این طریق در خداشناسی و دین مداری بر پایه تقوی، عشق و محبت به حقیقت و اندیشه ورزی همراه با علم و دانایی می داند. و موانع راه تکامل بشریت را در پیروی از نفس امّاره که دشمن ترین دشمن انسان معرفش کرده اند و اغواگری های شیطان و حوادث غیر مترقبه و زاینابر طبیعی مانند: زلزله و قحطی و امراض لاعلاج و آگیری چون طاعون و وبا و جنگ های ضدبشری یا نسل کشی های جهانگیران فرعون صفت سفاک استعمارگر می شناسد و آنها را ضمن دوبیتی های زیبا و بدیعی بیان کرده است. و سپس مبحثی با عنوان انسان و سیاست مطرح گردیده و درباره دو نوع سیاست مشهور: سیاست همراه با دینداری و ارزش های اخلاقی و سیاست جدّاً از دین و معنویت که به سکولاریزم و سیاست ماکیاولی نیز شهرت دارد، دو دوبیتی های مایه ور، معرفی شده و نظر سَرائنده که مۇکدّأ با نوع اول است، این گونه به سلک نظم در آمده:

کسانی که ز تقوا مایه سازند:

سیاست را به دین سرمایه سازند
دهد تقوا به ایشان آن شجاعت:

که خود در جنگ اهریمن نبالزند(۱۷)
و در بخش هشتم این منظومه، صفات اخلاقی و رفتارهای اجتماعی آدمی در سه قسمت به ترتیب ذیل مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و در اشعاری

آموزنده بیان شده است:

الف - برترین فضایل اخلاقی و رفتارهای پسندیده انسان

ب - زشت ترین رذائل اخلاقی و اعمال ناپسند او

ج - تعلیم و تربیت و نقش آن در تحوّل روحیات آدمی و تغییر و تبدیل معایب او به محاسن و بررسی مهمترین عوامل مؤثر در آموزش و پرورش یا: مادر، پدر، معلم و محیط. که در دویستی ذیل به این عوامل حیاتی چنین اشارت شده است:

پس از آموزگار و مادر تو:

پدر باشد به دنیا یاور تو: در آموزش، سپس باشد محیطّت:

مؤثر در صفات و باور تو! (۱۸) و موضوع بخش نهم، ترسیمی از مسیر تکامل انسان در جهان هستی ست، که از قبل از تولد او آغاز می شود. و چون گام به دار فانی دنیا می نهد و ادوار عمر خویش: کودکی، جوانی، کمال و پیری را طی می کند، از مدخل مرگ به عقبای باقی می رسد. و باز خدا در رستخیز بسته به کیفیت اعمالش در دنیا، یا در زُمره صالحان به فردوس برین نائل می شود و یا جزء طالحان، منزل پایانش آتش و جهنم است.

و در بخش دهم، سخن درباره "زادالمعاد" آدمی برای سفر آخرت یا انجام تکالیف واجبی است که به نام فروع دین باید با انجام فرائضی چون: نماز، روزه، زکات، حج، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر در عالم فروع دین رعایت می کرده است که هر کدام از این واجبات در دویستی هایی زیبا به سلک نظم درآمده است.

و بخش یازدهم شامل نکته هایی عرفانی، فلسفی و روانشناختی است، که در بیست و چهار دویستی اظهار گردیده، نظیر: ز چاه نفس بیرون آ و می پر:

چو مرغی بر فراز ماه و اختر! اگر تقوا تو را همراه گردد:

بگیری ملک عزّت را سراسر! (۱۹) و بخش دوازدهم یا پایانی آن، مشتمل بر هفت فصل است با عناوین متنوع به ترتیب حروف الفبایی ذیل:

نخست: ارزش سخن. دوم: ایران و ایرانیان در گذرگاه تاریخ تمدن جهان. سوم: دویستی هایی عاشقانه. چهارم: دوست واقعی و معیارهای انتخاب او. پنجم: سفر و فواید آن. ششم: شهید و شهادت. هفتم: مهمترین آفات اجتماعی - فرهنگی جهان امروز که خود به ۷ قسمت به این ترتیب تقسیم شده و در دویستی های پیوسته فراهم آمده است: اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی. بیماری ایدز که عامل آن بی بندوباری های جنسی است. تقلیدهای کورکورانه و هم چشمی های میمون وار در تجمل و مدگرایی و حیف و میل های گونه گون. دانش ها و فن آوری های بیگانه با ارزش های اخلاقی و معنوی. رواج دورغ و چاپلوسی و تظاهر. قلم های مسموم و مزدور دشمنان اسلام. ماهواره های مفسده انگیز و رنگین نامه های مستهجن اغواگر و... و پایان بخش مجموعه دویستی های ۷۷۷ مروارید حکمت و معرفت یادمان نوگلی است که در بهار عمر کوتاه خود پرپر شد.

از امتیازات علمی و پژوهشی آثاری که از استاد دکتر حسین رزمجو تاکنون نوشته یا سروده و تألیف و تصنیف شده و به زیور طبع آراسته گردیده است، از جمله مجموعه ۷۷۷ مروارید حکمت و معرفت، این است: که همه آنها مبتنی بر روش دانشگاهی (آکادمیک) فراهم آمده، بدین معنی که ایشان به منظور سهولت کار مطالعه خوانندگان آثارشان، غیر از تنظیم منطقی مطالب

فرهنگی

هر کتاب - همراه با فهرست های لازم - معانی واژگان مشکل و اصطلاحات و تلمیحات قرآنی، روایی و تاریخی به کار رفته در آن را معنی و شرح کرده و همراه با پی نوشت هایی روشن و مستند - ضمن حفظ امانتداری به هنگام نقل مطالب لازم از مأخذی معتبر، نام آن مراجع و صاحبانشان را هم در پاورقی ها و هم در فهرست منابع - به ترتیب حروف الفبایی -ارائه نموده است. چنانکه در مجموعه حاضر که از حدود پنجاه کتاب، مقاله یا مجله و روزنامه سود جسته است، اسامیشان را با دیگر ویژگی های لازم در فهرست مراجع معرفی کرده است.

... همانطور که در شماره های مسلسل ۱۴۰۹ و ۱۴۱۲ دو هفته نامه بعثت -مورخ نیمه دوم مرداد و نیمه اول مهر ماه سال جاری - ضمن معرفی دو کتاب خواندنی دیگر از استاد دکتر رزمجو - به نام: رازها و نیازها و شمع جمع آفرینش - یادآور شدیم: این ادیب و شاعر و استاد نمونه دانشگاه فردوسی مشهد و از چهره های ماندگار ادبیات معاصر ایران نیز هست، و سابقه ای طولانی افزون بر پنجاه سال کار موفق را در تولید ادبیات متعهد فارسی اسلامی با کارنامه ای درخشان دارد، چنانکه تعداد کتاب های منتشر شده از او تاکنون افزون بر چهل جلد و شمارگان مقالات وی در مجلات معتبر داخل و خارج از کشور مان متجاوز از دویست و چهل مقاله شده است، که برخی از آنها به زبان های عربی، انگلیسی، فرانسه، اردو و ترکی ترجمه شده، مخصوصاً باتوجه به آثار منظومی که در سال های اخیر از ایشان طبع و نشر گردیده، نظیر: مجموعه های "خداوند بزرگ در نیایشی سترگ" و "معراج یا از خلوت مهتاب شبی در حرم دوست" و دوره سه جلدی هزار گوهر معنی و شمع جمع آفرینش و "رازها و نیازها" و "سیمای عرفانی و دینی مولوی در آینه مثنوی معنوی" و... با عنایت به این که استاد چندی قبل در مصاحبه ای خبر داده اند، که در آینده ای نزدیک کلیات اشعار یا دیوان خود را که شامل: هشت دفتر: غزلیات، قطعات، قصاید، مثنوی ها، ترجیعات، سمسط ها، رباعیات، دویستی ها و اشعاری را که در اوزان آزاد نیمایی سروده اند، در دو جلد به نام "زین آتش نهفته.. (۱۹) منتشر خواهند کرد و این اطلاعیه موجب خوشحالی و امیدواری است: و مبین این واقعیت است که ایشان از معدود شاعرانی است که در عصر حاضر واجد قدرت طبع آزمایی موفقی در سرودن قالب های گوناگون شعر سنتی و آزاد فارسی را دارد.

نشریه "بعثت" مزید توفیقات ایشان را از خدای بزرگ خواستار است.

پی نوشت ها

- ۱- رک: ۷۷۷ مروارید حکمت و معرفت، چاپ اوّل مشهد ۱۳۹۰ ش، پیشگفتار، صص ۹ و ۱۰
- ۲- همین مأخذ، صص ۱۶ تا ۱۸ و لغت نامه، تألیف: علی اکبر دهخدا، ذیل واژه "هفت"
- ۳- رک: لغت نامه دهخدا، ذیل واژه "دویستی"
- ۴ تا ۷- رک: ۷۷۷ مروارید حکمت و معرفت - همان -صص ۲۲، ۲۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸
- ۸ تا ۱۱- رک: مأخذ پیشین، صص ۴۵، ۵۲، ۵۳، ۶۰
- ۱۲- متن عربی گفتار امام زمان(عج) این است: قَدْ أَذَانَا جُهْلَاءُ الشَّيْعَةِ وَ حُفْمَاتُهُمْ. و من دینه جناح البعوضه ارجح منه رک: الاحتجاج، تألیف: ابومنصور احمد بن علی بن ابیطالب طبرسی (بی تا) ج ۲ ص ۴۷۴
- ۱۳ تا ۱۸- رک: ۷۷۷ مروارید حکمت و معرفت - همان -صص ۶۰، ۶۳، ۶۶، ۶۷، ۹۴، ۱۳۲
- ۱۹- رک: مصاحبه دکتر حسین رزمجو با روزنامه جام جم با عنوان "زین آتش نهفته" در شماره ۱۶۲۹ مورخ چهارشنبه ۵ بهمن ۱۳۸۴ ش. و رک: مصاحبه خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) با دکتر رزمجو مورخ ۱۳۹۰/۸/۴ ش.

نیمه اول اسفند ماه _ شماره ۲۳ _ ۳

اگر در آن لحظه رندی از شهید مطهری عکس گرفته بود...

پرسش مهم در اینجا این است، با توجه به اینکه تهمت نیوز ها - که از گروه های گوناگون فکری هستند - حتی گفت وگویی علمی با منتقدان را بر نمی تابند، واقعا چه راهی برای حل این معضل هست؟ در شرایطی که به محض آنکه یک مرکز متعهد حوزوی یا غیرحوزوی بخواهد جلسه گفت وگویی نقادانه با یک روشنفکر بگذارد، مدیر آن به ده ها اتهام از غریزدگی و غیره مزین می شود، چاره چیست؟

در فضایی که بسیاری روحانیون حاضر نیستند، حتی برای پاسخ به پرسش های شرعی، به کسی که بیست سال پیش زیر نامه مسأله داری را امضا کرده یا جوانی که به خاطر مسأله ای سیاسی، چند شبی را در زندان گذرانده، وقت دیدار بدهند چه باید کرد؟

گویا، یک راهکار مناسب، سامان دادن حرکتی جمعی است به این نحو که همه عالمان حوزوی و دانشگاهی و مراکز علمی از سنتی و روشنفکر که درست یا نادرست، ادعای فهم درست اسلام را دارند، در یک حرکت هماهنگ، یک زمان مشترک و معین در ماه ر"روز گفتگو با منتقدان فکری" قرار دهند و درب ها را به روی آنان بکشایند.

تا زمانی که کنار هم نشینی" مشکل ساز تلقی شود، زمینه ای برای رشد کرسی های آزاداندیشی فراهم نمی شود، همچنان که بی هزینه کردن ارتباط و گفت وگوهای علمی با منتقدان و مخالفان، پیش شرط هر گونه اقدام در راه وحدت حوزه و دانشگاه است. تحقق این امر با یک حرکت جمعی که زشتی خیالی ملاقات با منتقد یا مخالف را می زداید، ممکن است. البته گفتگو با منتقد و مخالف - بر خلاف تصور برخی - ملازم با نسبی بودن حقیقت، عدم قاطعیت در برخورد با معاندان در آنجا که اسلام تجویز کرده و یا انفعال، وادادگی و عقب نشینی از مواضع فکری خود نیست. استثنا شدن موارد نادری در شرع مانند منع همنشینی با بدعت گزاران در شرایط خاص را نباید از نظر دور داشت.

روشن است که مانند بسیاری امور دیگر، گفتگو نیز در مواردی ممکن است تنها در ظاهر به شکل دیدار و گفتگو باشد، ولی اغراض دیگری را دنبال کند. در عین حال، هرگز به خاطر سوءاستفاده عده ای اندک، نباید جامعه را از چنین نعمت بزرگی محروم کرد و همه ملاقات ها را با نگاه بدبینی نگریست. این مانند آن است که چون در مواردی مأموران قلابی از لباس پلیس سوءاستفاده کرده اند، مردم به همه پلیس ها به دید تردید بنگرند و یا پلیس از استفاده از یونیفورم منع شود!

آیا اسلام به ما می گوید، فرد غیرمغرضی را که نسبت به اعتقادات یا عملکرد ما انتقاد داشته و متفاوت از ما می اندیشد، بایکوت کنیم تا هر روز در موضع مخالفتش تندتر شود؟ تجربه نشان داده است، با برخورد هایی از این دست، فرزندان چنین افرادی که بی مهری به پدر یا مادر خود را لمس کرده اند، غالباً نه یک منتقد، که یک مخالف جدی از آب درمی آیند. این برخوردهاست که دشمنان را خوشحال می کند و برای همین، دشمن چه بسا برای رسیدن به این هدف تلاش کند با ابراز خوشحالی تصنعی از دیدار یک فرد با منتقدان، این تصور را برای ما درست کند که این گفت وگوها به نفع دشمن است، چون باعث شادی او شده است و با این ترفند ساده، رفتار ما را به دلخواه مدیریت کند و می کند.

شهید مطهری با روشنفکرانی که بعضاً منتقد جدی اساس روحانیت بوده و همسران برخی از آنان بی حجاب بودند، در عین حفظ صلابت و سلامت فکری، دوستی و ارتباط علمی مستمر داشت. ما چه کرده ایم؟ آیا نباید هرگز با منتقدان خود روبه رو شویم؟ آیا ملاقات کنندگان با ما تنها باید از مریدان یا همفکران ما باشند؟ آیا جز یک اراده و حرکت جمعی می تواند به این برداشت های کودکانه که آلف "در کنار ب نشست، پس از نظر فکری و عقیدتی از یک طایفه اند پایان دهد؟

محمد مطهری

اشاره: مطلبی که در زیر می آید، نوشتاری است از حجت الاسلام محمد مطهری، فرزند استاد شهید مرتضی مطهری(رضوان الله علیه) که با نظری متاملانه به سیره آن شهید بزرگوار، از سر خیرخواهی، نکته ای ظریف و بدیع را پیش چشم همگان می نهد. گفتنی است این نوشتار، پیشتر در سایت "تابناک" انتشار یافته است.

شهید مطهری از یکی از دوستان اندیشمند خود خواسته بود، زمینه ای فراهم کند تا بتواند به دیدار مهمترین متفکران مارکسیسم در کشور رفته و با آنان به بحث و گفتگو بپردازد. این دوست استاد، در یکی از این دیدارها با منظره ای دیدنی روبه رو شده بود: شهید مطهری با آن متفکر ملحد، در حالی که سگش هم کنارش بود، ساعتها در یک پارک قدم زده و با یکدیگر بحث و گفتگو می کردند.

اگر خبری با نام "مرتضی مطهری در کنار یک ملحد معروف و سگش + عکس" در روزگار پیش از انقلاب منتشر می شد، فضای جامعه به گونه ای بود که بیشتر افراد، غرض از چنین کاری را درک کرده و آن را افتخاری برای یک روحانی می دانستند؛ اما جامعه امروز چطور؟

متأسفانه کلمه "ملاقات" در ادبیات سیاست زده کنونی، معنای تأیید و وابستگی و گاهی تسلیم و دلدادگی به خود گرفته است. حتی در مجالس ختم، برخی شخصیت های سیاسی و غیرسیاسی هر لحظه رصد می کنند که مبادا فردی "مسأله دار" در کنار آنان بنشیند و انتشار عکسی از این کنار هم نشستن "مسأله ساز" شود؛ یعنی نه تنها ارتباط و گفتگو بلکه گاهی نشستن اتفاقی چند دقیقه ای در کنار یک فرد هم واژه هایی نظیر "ساده اندیشی"، "تأثیر پذیری" و "همسویی" را به دنبال دارد.

برخی مراکز حوزوی و غیرحوزوی افتخارشان این است که هیچ روشنفکری تا کنون نتوانسته از نگهبانی آنها گذر کند و از سوی دیگر، برخی روشنفکران و دگراندیشان نیز از ارتباط نداشتن با "جنس آخوند!" به خود می بالند. عده ای از دو طرف نیز که به فواید این گفت وگوها آگاهند، در جو سیاست زده کنونی به دلیل شلوغ بازی های بعدی عطای آن را به لقایش می بخشند. نتیجه این می شود که افراد فرهیخته و دانش پژوه جامعه از بسیاری دیدارهای و گفت وگوهای سودمند محروم شده و هر کس خود را محدود به دیدار با همفکران خود می کند. افراطی با دوستان افراطی اش خوش است و تفریطی با دوستان تفریطی اش. کسی هم که چند مورد موضع اعتدالی داشته، خود و دوستانش را صراط مستقیم در همه امور دانسته و افراد نوعاً توسط اطرافیان و دوستان خود تأیید شده و خود را معتدل می پندارند. هر وقت هم سخن از دیدار یا مواجهه با منتقد یا مخالف فکری می شود، راهکار را منظره در جمع می بینند که هدف اصلی از آن، بیشتر اثبات خود و نفی دیگری است.

در چنین شرایطی، جامعه از ثمرات بی شمار گفت وگوهای صمیمانه و رو در رو - که رسوا شدن اختلاف افکنان از آن جمله است - دور مانده و در نتیجه عرصه به دست افراد کم سواد و غوغاگر می افتد. این گونه است که بدخواهان به راحتی از یک متفکر سنتی حوزوی در ذهن برخی دانشجویان یک موجود بی منطق و خشن، و از هر روشنفکری در ذهن برخی طلاب، فردی وابسته و بی دین و بلکه ضد دین می سازند.

شهید مطهری، کتاب "دو قرن سکوت" مرحوم دکتر عبدالحسین زرین کوب را به شدت مورد انتقاد قرار داد، اما چون مرز انتقاد و نیز رسم دوستی را می شناخت، رابطه دوستانه اش با دکتر زرین کوب را چنان نگه داشته که وقتی کتاب ننگین "بیست و سه سال" منتشر شد، چنین تشخیص داد که پاسخ این کتاب را اگر افراد غیر روحانی بدهند کارسازتر است و برای همین، از سه دانشمند دانشگاهی از جمله دکتر زرین کوب خواست که نقدی بر آن بنویسند و وی نیز با طیب خاطر پذیرفت (متأسفانه بخش بیشتر دست نوشته این کتاب ناپدید شد).

نگاهی آماری به دلایل آمریکا در جلوگیری از تحقق انقلاب بحرین

هفته گذشته را مردم بحرین با معرفی به عنوان

سالروز آغاز قیام خود علیه حکومت آل خلیفه به عنوان روزی برای ادامه حرکت موج بیداری آغاز شده از سال قبل و پیگیری خواسته های برحق ... و دموکراتیک خود برگزیده اند و از چند روز قبل تظاهرات های گسترده ای در منامه و ویویژه اطراف میدان لوءاء از سوی مردم این کشور برگزار شده و البته نیروهای امنیتی بحرین با کمک نظامیان عربستان سعودی نیز تلاش کرده اند تا از گسترش این اعتراضات جلوگیری کنند.

در سال گذشته میلادی موج بیداری اسلامی ایجاد شده در کشورهای عربی و شمال آفریقا در ایستگاه سوم خود به بحرین رسید کشوری که به دلیل موقعیت ویژه خود بسیاری از نگاه ها را متوجه خود کرد و درست به دلیل همین ویژگی ها کشورهایی چون آمریکا و عربستان سعودی با قرار گرفتن در کنار آل خلیفه از تحقق خواست مردم بحرین جلوگیری کردند.

قیام مردم بحرین از فوریه سال گذشته میلادی آغاز شد اما نتیجه این قیام تا کنون متفاوت تر از نتیجه ای بود که در کشورهای تونس، لیبی و مصر و حتی یمن بدست آمده و اکنون با گذشت یک سال از قیام مردم در بحرین نگاهی دقیقی به آن ما را در شناخت ماهیت بیداری اسلامی و چرایی مخالفت کشورهایی چون عربستان و آمریکا با تحقق آن را یاری می دهد.

سود آمریکا در حفظ آل خلیفه

بحرین کشوری کوچک در حاشیه خلیج فارس است که پایگاه پنجم ناوگان دریایی آمریکا در این کشور قرار دارد اما وقتی ما به لیست منافع آمریکا در بحرین نگاه می کنیم این منافع فقط محدود به وجود این پایگاه در خلیج فارس نمی شود. بُیر ترستام* در مقاله ای در سایت تحلیلی آبات دات کام* که با عنوان "منافع آمریکا در بحرین به چاپ رسیده آورده است: منافع آمریکا در بحرین بسیار وسیع، استراتژیک و گران بها هستند.

هر چند سفارت آمریکا در بحرین در سال ۱۹۷۱ گشایش یافت اما روابط آمریکا با این کشور به سال ۱۹۵۸ و زمانیکه اولین کشتی آمریکایی در سواحل این کشور پهلو گرفت بازمی گردد و از آن زمان تا کنون روابط منامه-واشنگتن بطور مرتب افزایش یافته است.

به نوشته ترستام، منافع آمریکا در بحرین به حدی قابل توجه است که پنتاگون در سال ۲۰۱۱ پیشنهاد دریافت ۲۵۸ میلیون دلار بودجه ویژه برای ساخت تسهیلات ویژه در پایگاه خود از جمله اختصاص ۴۵ میلیون دلار برای توسعه پایگاه هوایی شیخ عیسی را داده بود.

بر همین اساس اهمیت بحرین برای آمریکا به دلایل جغرافیایی بازمی گردد: بحرین یک پایگاه دریایی مکمل برای قطر است که در میانه خلیج فارس قرار گرفته و بر ایران نیز مشرف است. حضور در این کشور امکان دسترسی سریع به آبهای خلیج فارس و خطوط کشتی رانی را فراهم کرده و علاوه بر آن صادرات نفت از عراق، کویت، عربستان سعودی، عمان و ... را نیز می توان با حضور در بحرین کنترل کرد.

علاوه بر این موارد بحرین یکی از مهمترین بازارهای کالاهای آمریکایی در خلیج فارس است بطوریکه صادرات آمریکا به بحرین در سال ۲۰۱۱ به ۶۶۸ میلیون دلار رسید که این رقم با توجه به جمعیت اندک بحرین رقمی قابل توجه محسوب می شود.

هر چند بحرین ارتشی کوچک متشکل از ۱۳ هزار نظامی دارد اما با این حال سالانه بیش از ۲۰ میلیارد دلار از درآمد خود را صرف خرید تجهیزات نظامی آمریکا می کند.

درباره اهمیت بحرین برای آمریکا و چرایی جلوگیری واشنگتن از تحقق خواست مردم این کشور هنری کسینجر* وزیر خارجه اسبق ایالات متحده می گوید: تغییرات دموکراتیک در بحرین منافع آمریکا را تامین نمی کند.

کسینجر معتقد است که به قدرت رسیدن شیعیان در بحرین به هیچ وجه به نفع آمریکا نبوده و علاوه بر

آمریکا منافع عربستان را نیز به خطر می اندازد.

بر همین اساس مشخص می شود که از چه رو آمریکا برای حفظ رژیم آل خلیفه تلاش می کند و در این راه با عربستان همراه شده است بدون تردید انجام تغییرات در این کشور و تغییر ساختار حکومت در بحرین منافع آمریکا در خاورمیانه را با مشکل اساسی مواجه می کند.

نقش آمریکا در جنایات آل خلیفه

دکتر علی الکبانی، روزنامه نگار و تحلیل گر سیاسی مقیم لندن در مصاحبه ای در توضیح اینکه چرا آمریکا و دیگر کشورهای غربی از سرکوب مردم بحرین حمایت می کنند می گوید.

در واقع شما چیزهایی که از آمریکا و اتحادیه اروپا می شنوید، صرفا حرف هستند و در عمل این طور نیستند. آن ها می خواهند این طور القا کنند که حافظ حقوق بشر هستند. شما می توانید این تناقض را در اظهارات هیلاری کلinton بشنوید. او گفته است که دولت بحرین حق دارد از نیروهای شورای همکاری خلیج فارس دعوت به عمل آورد. چطور ممکن است یک دولت که به خاطر تظاهرات اکثریت مردم مشروعتش را از دست داده است، نیروهای خارجی را دعوت کند تا با مردم مبارزه کند.

این رفتار از سوی آمریکا دوگانه است. آن ها از سویی می گویند که بحرین به خاطر داشتن حق حاکمیت می تواند نیروهای خارجی را دعوت کند و از سویی می گویند که امیدوارند این وقایع با آرامش به اتمام برسد. دولت بحرین هرگونه مذاکره با مخالفین را قطع کرده است. پس از آن که آن ها تمام تظاهرکنندگان را از میدان مروارید راندند، احساس قدرت می کنند. آن ها مرتکب جرایم علیه بشریت می شوند و این اتفاقات زیر نظر آمریکا و ناوگان پنجم دریایی این کشور روی می دهد.

البته آمریکا مدعی است که مدافع اخلاقیات و حقوق بشر نیز هست. بنابراین آمریکا وقتی شاهد تظاهرات مردم و کشتار آنان است، نباید دچار تناقض شود. در بحرین صدهایی شنیده می شود که گفته می شود، جمعیت شیعه که با حکومت آل خلیفه مخالف هستند، می توانند کشور را ترک کنند و به ایران بروند. این اظهارات فاشیستی و نژادپرستانه است و افرادی که چنین حرف هایی می زنند باید در دادگاه محاکمه شوند. حتی در مورد اقلیت سنی بحرین هم نباید چنین حرف هایی زده شود، چنین حرف هایی حتی در اروپا هم به مسلمانان زده نمی شود.

مجید میلاد* یکی از رهبران جمعیت وفاق بحرین نیز با اشاره به افشای تصاویر آموزش نیروهای ویژه آل خلیفه به دست تفنگداران آمریکایی، تأکید کرد

آمریکا در بحرین از استبداد حمایت می کند.

مجید میلاد* عضو دبیرخانه جمعیت وفاق در این باره گفت: جوانان انقلابی نقش مزدوران رژیم در سرکوبگری اعتراضات و تظاهرات با استفاده از گازهای سمی را فاش کردند.

جوانان انقلابی تصاویر یکی از این مزدوران آل خلیفه را در حال آموزش دیدن از سوی نیروهای تفنگدار آمریکایی به دست آوردند. این نشان می دهد که آمریکا از رژیم آل خلیفه پشتیبانی می کند، و همه تلاش نظامی و امنیتی خود را در این مجال به کار می برد.

مجید میلاد سیاست دوگانه آمریکا در برخورد با انقلاب بحرین را محکوم کرد و گفت: آمریکا مدعی حمایت از دموکراسی است، اما وقتی نوبت به بحرین می رسد، برای ایجاد استبداد تلاش می کند، و این عملکرد سبب رسوا شدن آمریکا در قبال مساله بحرین شده است. یوسف ربیع* رئیس باشگاه حقوق بشر بحرین نیز تأکید کرده که آمریکا به صورت آشکار از سرکوب مردم بحرین حمایت می کند، مسأله ای که از نظر حقوق دانان مشارکت در قتل به شمار می آید.

یوسف ربیع در گفت و گو با شبکه خبری العالم اظهار داشت: آمریکا آشکارا در بحران بحرین دست

دارد و این مساله را قراردادهای تسلیحاتی امضا شده و مزدوران بیگانه ای که برای حمایت از رژیم به کار گرفته می شوند، ثابت می کند.

بسیاری از سازمان های مدافع حقوق بشر تأکید کرده اند که دولت آمریکا آشکارا نقشی منفی در بحرین دارد، این در حالی است که ایفای چنین نقشی با ادعای حمایت از گسترش دموکراسی کاملاً مغایرت دارد.

رئیس باشگاه حقوق بشر بحرین با تأکید بر اینکه سلاح به کار رفته در کشتار غیرنظامیان و تظاهرکنندگان بحرینی ساخت انگلیس و آمریکا است، خاطر نشان کرد: مردم شهر النویدرات و همچنین مردم منطقه الدیر و المحرق، مرتب پیام های کمک به همه سو ارسال می کنند، و توقف استفاده از گازهای سمی را خواستارند؛ گازهایی که آمریکا به رژیم آل خلیفه داده است.

رژیم آل خلیفه در سرکوب مردم بحرین از حمایت و پشتیبانی آمریکا برخوردار است، و در این میان شماری از کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس به سرکردگی عربستان سعودی و قطر تحرکاتی منفی را در دستور کار خود قرار داده اند، که هدف نهایی آن ابقای حمد در راس قدرت است.

نقش آمریکا در سانسور رسانه ای کشتار بحرین و سکوت دیگر کشورهای غربی

سانسور نرم اصطلاحی است که به عملکرد رسانه ها در انعکاس برخی وقایع و حوادث و اخبار اشاره دارد.

بر این اساس رسانه درصدد است تا اثرگذاری اجتماعی یک واقعیت و بازتاب آنرا خنثی کند. درحقیقت در این خصوص رسانه سعی دارد که حقیقت خبر را مهجور سازد. وقایعی که در بحرین در حال رخ دادن است و نوع انعکاس برخی رسانه ها و به ویژه رسانه های غربی نمونه ای از این سانسور نرم به شمار می رود. در برخی از مواقع و در بحث سانسور نرم صحبت از عدم انعکاس آن واقعه نیست، اما آنچه رخ می دهد بازتاب آن حادثه به گونه ای خاص و زیرکانه و در جهت برخی از اهداف است تا نشان دادن واقعیت و حقیقت.

انعکاس اخبار سرکوب مردم در بحرین توسط برخی رسانه ها نشان از قربانی کردن حقیقت برای رسانه هایی دارد و ادعای آزاد بودن و آزادی را دارند. اهمیت این موضوع سبب شد تا دیدگاه پرفسور نوآم چامسکی را در این زمینه جویا شویم. چامسکی این اتفاق و عدم انعکاس اخبار مربوط به بحرین بر اساس واقعیت را مسبوق به سابقه می داند و آنرا موضوع جدیدی نمی داند.

وقایعی که در بحرین اتفاق می افتد و سرکوب مردم این کشور توسط حکومت به گونه ای نرم توسط برخی رسانه ها و به ویژه رسانه های غربی مورد سانسور قرار می گیرد. در این اینباره توضیح بدهید؛ پاسخ به این سؤال ساده است. در این مواقع رسانه ها بر اساس منافع خود رفتار می کنند. برخی رسانه ها منافع کشور متبوع خود را در انعکاس چنین اخباری مورد ملاحظه قرار می دهند. سانسور نرم سرکوب مردم بحرین توسط حکومت این کشور مشخصاً با منافع کدام کشورها پیوند خورده است؟ به طور کلی آمریکا از سرکوب مردم بحرین حمایت می کند.

باید توجه داشت در این مورد آمریکا بر اساس منافع خود عمل می کند. منافع آمریکا در بحرین ایجاب می کند تا از سرکوب مردم این کشور توسط حکومت بحرین حمایت به عمل آورد. این تنها ایالات متحده آمریکا و غرب نیست که از سرکوب مردم بحرین حمایت می کنند. برخی کشورهای منطقه خاورمیانه نیز از این سرکوب حمایت می کنند. برای نمونه عربستان سعودی از جمله کشورهای منطقه است که حامی دولت بحرین در سرکوب مردم بحرین است. به نظر می رسد که این موضوع امری طبیعی است و اتفاقی است که مسبوق به سابقه است. این کشورها به سبب منافعی که در آن کشور دارند از سرکوب مردم در بحرین توسط حکومت حمایت می کنند.

فروش سلاح توسط آمریکا به بحرین همانگونه که اشاره شد بحرین رد سالهای گذشته ۲۰ میلیون دلار از در آمد خود را برای خرید تسلیحات نظامی از آمریکا هزینه می کرد اما این رقم در سال ۲۰۱۱ به اوج خود رسید بطوریکه رویترز از قرارداد ۵۳ میلیون دلاری فروش تسلیحات توسط آمریکا به بحرین خبر داد.

این قرارداد در حالی منعقد شده بود که سرکوب مردم در بحرین به وحشیانه ترین شکل خود در جریان بود. در همین رابطه "سانجیو بری" در مقاله ای در سایت "هیومن رایتز نو" به اعتراض به ادامه فروش تسلیحات از سوی آمریکا به بحرین چهار پرسش اساسی را از سیاستمداران آمریکایی مطرح کرده که این چهار پرسش عبارتند از:

چرا فروش سلاح به بحرین بصورت محرمانه انجام شده و اخبار آن به اطلاع مردم نمی رسد؟ تسلیحات فروخته شده به بحرین از چه نوعی هستند؟

چه تعداد از این قراردادهای محرمانه فروش سلاح همچنان در جریان است؟ فروش این حجم از سلاح را چگونه می توان به سخنان رئیس جمهور درباره حقوق بشر ارتباط داد؟

از سوی دیگر یک سازمان دیده بان حقوق بشر موسوم به "دیده بان حقوق بشر یک" تأکید کرد که دولت آمریکا باید درباره گزارش های مربوط به فروش تسلیحات نظامی جدید به رژیم آل خلیفه در بحرین توضیح دهد. درخواست این سازمان حقوق بشری درحالی مطرح شده که شمار شهدای انقلاب بحرین در اثر استفاده نیروها و مزدوران رژیم آل خلیفه از تجهیزات جدید مانند گازهای سمی افزایش یافته است. در بیانیه این سازمان حقوق بشری آمده است: دولت آمریکا همچنین باید تدابیر امنیتی شدید رژیم بحرین در آستانه اولین سالروز شروع قیام مردم این کشور در ۱۴ فوریه را محکوم کند.

براساس این بیانیه، "فروش تجهیزات نظامی از سوی آمریکا به بحرین یک روز بعد از حملات نیروهای بحرینی به منازل روستای بنی جمره مطرح شد که طی این حمله دست کم ۲۲ باب منزل مسکونی ویران شد و ۵ نفر بازداشت شدند. سازمان دیده بان حقوق بشر یک یاد شده در بیانیه خود با اشاره به جدی نبودن رژیم بحرین در اجرای وعده هایش از جمله از سرگیری محاکمه پزشکانی که برای گرفتن اعتراف تحت شکنجه قرار گرفته اند، اعلام کرد دادگاهی نظامی این پزشکان را محاکمه و محکوم کرده است.

"براین دویلی" مدیر این سازمان حقوق بشری گفت: به نظر می رسد رژیم بحرین هر اندازه که به سالروز شروع اعتراض های مردمی نزدیک می شود، حملات به تظاهرات مردم را افزایش می دهد جلوگیری از ورود ناظران به منامه در همین راستا صورت گرفته است. محاکمه های صوری و تعقیب های قضایی که هیچ پایه و اساسی ندارد، در دادگاه های بحرین ادامه یافته و این درحالی است که اتهام آنان فقط استفاده از حق آزادی بیان و افشای واقعیت هایی بوده که در جریان قیام و انتفاضه سال گذشته روی داد. در پایان این بیانیه آمده است "زمانی بدتر از این برای اقدام آمریکا در فروش و صادرات تسلیحات نظامی جدید به بحرین وجود نداشته است.."

سخن آخر اینکه، مجموع این نوشتار نشان می دهد که به نتیجه رسیدن انقلاب مردم در بحرین به هیچ وجه به سود آمریکا نیست، واشنگتن که پس از دست دادن حضور نظامی قدرتمند خود در عراق استراتژی جدیدی را برای خلیج فارس ترسیم کرده ادامه حضور در بحرین را به عنوان کلید حضور در خاورمیانه تصور می کند از همین رو تلاش می کند تا با همدستی عربستان و به هر نحو ممکن از به نتیجه رسیدن بیداری اسلامی در بحرین جلوگیری کند و این بهترین سند و شاهد برای اثبات وجود سیاست های دوگانه در نزد مقامات آمریکایی در برخورد با مسائل مشابه در کشورهای مختلف است.

منبع: شفاف



پدیده ترساندن از اخوان المسلمین همزمان با بیداری اسلامی، ابعاد گسترده ای به خود گرفته است، این پدیده به ویژه در میان شخصیت ها، احزاب و گروه های چپ گرا و لیبرال یا بخش های مربوط به دستگاه های رسمی و دولتی شیوع زیادی دارد، علاوه بر اینکه ابراز نگرانی های عادی از سوی آمریکا و رژیم اسرائیل و رسانه های غربی نیز در این زمینه روند رو به رشدی به داشته است.

این پدیده با قدرت گرفتن بیشتر اسلامگرایان در مصر، تونس، یمن و اردن و جایگاه اسلامگرایان در لیبی، تشدید شده است.

ترساندن از اخوان المسلمین عموماً با عناوینی نظیر تروریسم، افراط گرایی، واپسگرایی، یا صفاتی مانند ضد آزادی و ضد حقوق زنان و یا حتی عناوین دیگری مانند دیکتاتوری به اسم دین نمود پیدا می کند. این تبلیغات، حتی در برخی موارد از متهم کردن به مزدوری برای کشورهای دیگر و فرصت طلبی ناکارآمدی در ارائه برنامه واقعی مدیریت کشور را نیز شامل می شود.

بعضی از این اتهامات حتی اگر نادرست هم باشند برای اینکه اخوان المسلمین را به انزوا و حاشیه بکشاند و آن را به سازمانی کوچک و بی اهمیت تبدیل کنند، کافی است.

اما طراوت و پتانسیلی که در اخوان المسلمین به عنوان محبوب ترین و پرطرفدارترین جریان در کشورهای روبه تغییر وجود دارد، باعث شده است که این اتهامات به جایگاه اخوان المسلمین لطمه ای وارد نکنند.

به نظر می رسد که محافل سیاسی و رسانه ای وابسته به جریان های لائیک شناخت درستی از جایگاه اخوان المسلمین ندارند.

نویسندگانی که ما مطالبی از آنها درباره این گروه می خوانیم و کسانی که در رسانه ها در این زمینه صحبت می کنند و خود را کارشناس می نامند، به خودشان زحمت نمی دهند تا کتاب های حسن البنا مؤسس اخوان المسلمین و سایر کتاب های اصلی این گروه را بخوانند.

آنها چه با حسن نیت و چه سوء نیت، برداشت های پراکنده اتهامات دیگران به این جریان را کنار هم می گذارند و اشتباهات برخی از افراد وابسته به اخوان را نیز که هرگز خط رسمی این جریان نیست در کنار هم قرار می دهند و از آن علیه اخوان المسلمین استفاده می کنند. آنها به این ترتیب، چهره ای غیر منطقی از اخوان المسلمین ارائه می دهند. این درحالی است که طرفداران اخوان فرصتی نمی یابند تا خود را معرفی و آرمان های این جریان را مطرح نمایند.

مخالفان اخوان در بسیاری از موارد، کتاب های سید قطب یکی از موسسان اخوان المسلمین را نقد می کنند و بی توجه به شرایطی که وی کتاب های خود را نوشته است او را تکفیر هم می کنند. آنها همچنین، برای هدفی که دارند بسیاری از متن های متعلق به سید قطب را از سیاق خود خارج کرده و معانی متضادی به آنها می دهند.

این درحالی است که بسیاری از نویسندگان اخوان المسلمین افکار و ایده های سید قطب را توضیح داده و سعی کرده اند برداشت های غلط را از بین ببرند.

از آنجا که برخی گروه های ملی گرا و چپ لیبرال حامی آرمان های مدرن هستند جریان های اسلامی را در تضاد دیدگاه های لائیک خود می دانند. آنها دین را به دوران حاکمیت سلاطین و خان ها مرتبط کرده و اسلامگرایان را واپسگرا و عقب افتاده می دانند.

لائیک ها مبارزات جریان اسلامی فعال علیه حکومت های مستبد را نادیده می گیرند.

تبلیغات مسموم

علت دیگر اسلام هراسی در دوره جدید، به تبلیغات برنامه ریزی شده و خصمانه ای بازمی گردد که اخوان المسلمین از سال ها پیش در کشورهای عربی با آن مواجه بوده است. این موضوع به ویژه در زمان حاکمیت جمال عبدالناصر بین سال های ۱۹۵۴ تا ۱۹۷۰ کاملاً مشهود بود. در آن زمان اخوانی ها به مزدوری و واپسگرایی و دارای انگیزه های ضدملی متهم شده بودند. دولت های عربی نیز به شدت تحرکات اخوان و تبلیغات آنها را در تمامی رسانه ها زیر نظر داشتند. اعضای این جریان نیز همواره مورد تعقیب و پیگردهای امنیتی بودند و در حاشیه قرار داشتند و حتی اجازه دفاع از خود و تشریح دیدگاه هایشان را نداشتند. این روند طی سال های طولانی در کشورهای نظیر مصر، اردن و لیبی حاکم بود.

عامل خارجی

عامل دیگری که باعث افزایش روند اخوان هراسی شده، ترس قدرت های غربی و رژیم صهیونیستی از قدرت گرفتن اسلام سیاسی است. این دشمنی طبیعی است، زیرا این جریان براساس زمینه های دینی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی ای که دارد، دشمن اصلی توطئه های رژیم صهیونیستی در فلسطین به شمار می رود. این گروه پروژه ای اسلامی را با خود به همراه دارد که با معیارهای جهان لائیک معاصر و دیدگاه های غرب مطابقت ندارد و تسلط غرب بر منطقه را برنمی تابد. این گروه به دنبال تغییر و اصلاح رژیم های عربی فاسد و مستبد همپیمان غرب است.

تمام این عوامل باعث شده است که جریان اخوان تبدیل به محور دشمنی غرب گردد و آنها تأثیر زیادی در تخریب چهره این جریان در دهه های گذشته داشته اند، این کشورها با حاکم مستبد عرب برای جلوگیری از رسیدن اخوانی ها به قدرت ائتلاف کرده اند. حمایت از رژیم های دیکتاتور عرب، سرکوب آزادی ها، شکنجه و تقلب در انتخابات، تنها بخشی از اقداماتی بود که غربی ها برای جلوگیری از به قدرت رسیدن اخوان المسلمین به کار گرفتند.

نکته جالب اینجاست که بیشتر گروه هایی که مردم را از اخوان المسلمین می ترسانند و آنها را تشویق می کنند که به صفوف لیبرال ها، ملی گراها و یا چپ گراها بپیوندند، خود با قدرت نظامی به حاکمیت رسیده اند و هیچ کدام از آنها با انتخابات آزاد و برابر و مستقیم انتخاب نشده اند. مثل ناصر در مصر، بعثی ها در عراق، گروه های چپ گرا در یمن، بومدین ها در الجزایر، قذافی در لیبی و علی عبدالله صالح در یمن. برخی از این گروه ها هر چند در ابتدا به این صورت روی کار نیامده اند، اما با گذشت چند سال در محور اطاعت از آمریکا وارد شده اند. این مثال در مورد بورقیه در زمانه استقلال تونس و بن علی در این کشور نیز سازگار است و آنها سالیان دراز به نام مردم بر مردم این کشور حکومت کرده اند.

کسانی که مردم را نسبت به اخوان المسلمین می ترسانند، و شعارهای لیبرالی و ملی گرایی سر می دهند، اگر می توانند در طول ۶۰ سال گذشته

اخوان هراسی در مصر

تنها یک رژیم لائیک و سکولار غربی را مثال بیاورند که رویه ای مستقل درپیش گرفته باشد.

رژیم های عربی و همه جریان های مردم را از اخوان المسلمین و اسلامگراها می ترسانند، همان هایی هستند که قلع و قمع مردم را در دستور کار قرار داده و با تقلب در انتخابات و ایجاد سازمان های جاسوسی، قدرت را در دست خود نگه داشته اند. با این حال اکنون همگی آنها در دشمنی با اخوان المسلمین متفق القول شده اند.

این رژیم ها به بهانه ترس از آزادی، به سرکوب آزادی های مردم دست زدند و حاکمیت را به بهانه ترس از قدرت گرفتن اسلامگراها در قبضه خود گرفتند. آنها به بهانه قرار گرفتن تحت ظلم اسلامگرایان خود رژیم های فاسد و مستبدی را ایجاد کردند. آنها به بهانه ترس از قربانی شدن به دست اسلامگرایان به شکنجه و تعقیب آنها دست زدند، این درحالی بود که ادعاهای آنها خیالی بود، اما چیزی که با چشم می شد دید، اتفاقاتی بود که در تونس و مصر و لیبی روی داد.

لازم به ذکر است که بیشتر گروه ها و احزاب لائیک و چپ گرا و لیبرال و ملی گرا نیز روش دیکتاتور را درپیش گرفتند و برای خود فرمانروایی هایی را ایجاد کردند که با پیر شدن آنها پیر شد. آنها اراده محورهای اعضای حزب خود را نیز ربوده و آنها را از هم جدا کردند و با تعطیل کردن انتخابات داخلی به قدرت خود ادامه دادند.

علی رغم این تبلیغات وسیع علیه اخوان المسلمین، با یک حساب سرانگشتی و یا هر مقایسه علمی، می توان دریافت که اخوان المسلمین با وجود مشکلات فراوانی که دارد، از سایر احزاب به روند دموکراتیک و انتخابات پایبندتر است. انتخابات در درون اخوان المسلمین نیز به صورت منظم و هر سه یا چهار سال یک بار انجام می شود. همین پایبندی باعث همگرایی میان آنها و حضور جوانان در اخوان المسلمین است.

در چنین شرایطی، حق مردم این است که اخوان المسلمین ایده های خود را در مورد مسایل مختلف شرح دهد.

در کشورهای عربی همواره سعی شده است ایدئولوژی های لیبرالی، سوسیالیستی و ملی گرایی به آزادی و حقوق بشر پیوندزده شود و در مقابل، سعی می شود دولت اسلامی و جامعه اسلامی مغایر با آزادی، دموکراسی و حقوق زنان قلمداد شود.

البته، اخوان المسلمین نیز این اتهامات را رد می کند. اخوانی ها می گویند طرح اسلامی آنها می تواند به اراده واقعی امت اسلامی که اکثریت مطلق آنها اسلام را پذیرفته اند، پاسخ دهد، این طرح با میراث فرهنگی این امت و ترکیب تمدنی آنها سازگار است و به بهترین نحو می تواند مردم را بسیج کند و پتانسیل آنها را در روند سازندگی کشور و پیشرفت و آزادسازی سرزمین های اشغالی (فلسطین) به کار گیرد.

شاید اخوانی ها طرح کاملی را ارائه نکنند، ولی زشتی و انحطاط اخلاقی رژیم های عربی در تعامل با مقوله زن و خانواده و جامعه را ندارند. بیشتر اسلامگراها انتخابات آزاد و سالم و انتقال مسالمت آمیز قدرت را قبول دارند و معتقدند که اجباری در پذیرفتن دین وجود ندارد، اما هنگامی که ملت برنامه کاری و دیدگاه های خود را انتخاب کند، اجرای این برنامه حق آنهاست و دیگران باید به حق آنها و اراده امت اسلامی احترام بگذارند.

اخوان المسلمین مصر همواره از دهه ۶۰ قرن گذشته مقابل عقاید تکفیری و القاعده ایستادگی کرده و معتقد است که عراق یکی از قربانیان ایده

های تکفیری و القاعده و عملیات انفجاری آنهاست. اما مخالفان اخوان همواره اصرار دارند آنها را به افراط گرایی و تروریسم و سایر تهمت ها متهم کنند.

منطق می گوید که اسلام صحیح و درست مسئول تمام جریان هایی که به اسم خوارج، معتزلی و قمرطی از گوشه و کنار آن خارج شده اند، نیست. همان گونه که مسیحیت ناب و خالص نیز مسئول افراط گرایی صلیبی ها و اجبار دینی و دادگاه های تفتیش عقاید نیست. به این ترتیب، اخوان المسلمین تنها مسئول اقدامات خود است و نباید روش های سایر مردم را به آنها نسبت داد.

برنامه انتخاباتی اخوان

یکی دیگر از تهمت هایی که به اخوان المسلمین زده می شود، این است که این گروه برنامه واقعی برای اداره دولت ندارد و نمی تواند مشکلات جامعه را حل کند. ملاحظه می شود که این یک تهمت قدیمی بوده و از ۳۰ سال پیش مطرح بوده است. اما کسانی که برنامه انتخاباتی اخوان را در بسیاری از مناطق مصر مرور کرده اند، معتقدند که برنامه این حزب از فراگیری خاصی برخوردار است و بیشتر مشکلات دولت و جامعه را دربرمی گیرد. اخوان المسلمین در طول سالیان گذشته از حضور قوی در دانشگاه ها و سندیکاها حرفه ای برخوردار شده و هزاران نفر از کادر خود را در بخش های مختلف به کار گرفته است. از سوی دیگر، هزاران نفر از فارغ التحصیلان دانشگاه هانیز به این جریان روی آورده اند. شاید بتوان گفت که بخش تکنوکرات اخوان المسلمین یکی از بزرگ ترین بخش های این گروه است و در مقایسه با دیگر احزاب و جریان ها بسیار بیشتر است. این در حالی است که این سازمان فرصت های عادلانه برای کار در موسسات دولتی را در بسیاری از کشورهای عربی نداشته است.

از سوی دیگر، بعد از گذشت ۵۰ سال می بینیم که اخوان المسلمین از جانب رژیم های عربی هم پیمان آمریکا، بیشترین فشار را تحمل می کند. این کشورها می خواهند مردم را از اخوان ترسانند و حتی مدعی می شوند که این جریان هم پیمان جدید آمریکایی ها است.

اخوان المسلمین همواره اسلام را در شکل معتدل ارائه می دهد و به آن در برنامه های خود ایمان دارد. اخوان در دشمنی با دیگران عجله نمی کند و در وهله اول به بازسازی و اصلاح داخلی خود می پردازد. اما این گروه در طول ۵۰ سال گذشته، همواره هزینه دشمنی خود با سیاست های آمریکا را پرداخته است.

سیاست آمریکا در منطقه به دنبال کنترل واقعیت های جدید آن و بازسازی منطقه براساس منافع خود است. این سیاست می خواهد اخوان المسلمین را نیز به سوی خود بکشد.

در پایان اوضاع هرگونه که باشد، چیزی که از اخوان المسلمین خواسته می شود، این است که همواره مواضع خود را توضیح دهد و شبهات و اتهامات علیه خود را مرتفع کرده و مسئولیت اشتباهات خود را بپذیرد. اخوانی ها باید به همه بگویند که فرشته نیستند و حق را همواره در انحصار خود نمی گیرند. آنها باید بگویند که به اختلاف ها و عقیده های مخالف احترام می گذارند و منافع ملی و امت اسلامی را به منافع شخصی و حزبی و گروهی خود ترجیح می دهند. آنها باید افق های روشن و جامعی از نهضت خود ارائه دهند و از مرحله شعارها به سوی برنامه های مفصل و اجرایی قدم بردارند.

منبع: خبرگزاری فارس

در گفتگویی با استاد خسروشاهی بررسی شد:

سلفی های مصر و: ارتجاع عرب

است، ولی سلفی ها اغلب روش های افراطی در همه زمینه ها را دنبال می کنند. برای نمونه می توان اشاره کرد که سلفی ها در امور دینی خیلی متحجر هستند و هر نوع تجدیدطلبی و اصلاحات را بدعت و حرام می دانند؛ در همین رابطه بود که آنها تحزب و تشکیل حزب را هم نوعی تقلید از غرب قلمداد کرده و حرام اعلام کرده بودند...

ورد و ذکر خود را هم در مساجد منتسب به اهل بیت برگزار می کنند.

اشاره به یک نمونه از اقدامات و فتاوی شیوخ این گروه های افراطی سلفی بی مناسبت نخواهد بود: ممدوح جابر یکی از شیوخ سلفی ها در قاهره هنگام انتخابات اعلام کرد که انتخابات صحنه برخورد میان حق و باطل است و آنگاه سلفی ها را حق و بقیه را باطل نامید. شیخ دیگری نیز لیبرال ها و سکولارها را خارج از دین و مرتد و کافر توصیف و اعلام کرد که رأی دادن به غیر از اعضای حزب النور حرام است!

از همه جالب تر آنکه شیخ محمود عامر، یکی دیگر از شیوخ معروف سلفی ها، در دوره حسنی مبارک و قبل از آغاز انقلاب فتوا داده بود که ریختن خون محمد البرادعی که با رئیس حسنی مبارک مخالفت می ورزد مباح است! پس از پیروزی انقلاب جوانان در مصر شاهد بودیم که از نظر سلفی ها هم حزب حلال شد و هم حضور در پارلمان دیگر تقلید از غرب نبود! به هر حال حضور این نوع افراد با این اندیشه های قرون وسطایی در واقع برای آینده مصر خطرناک خواهد بود و ظاهراً اخوان المسلمین یا هر حزب دیگری که قدرت و حکومت را در دست بگیرد با دشواری های زیادی روبه رو خواهد شد.

با توجه به تفاوت های اساسی در اندیشه و عمل، ائتلاف اخوان با سلفی های افراطی بعید به نظر می رسد، مگر آنکه دُستان نوری هاله ای از نور را در کرسی قدرت و مجلس ببینند و به راه راست هدایت شوند! به این نکته هم اشاره کنم که در دور دوم انتخابات که در بعضی استان ها رقابت بین اخوان، حزب النور و احزاب سکولار وجود داشت اخوان با نوری ها همکاری کردند و بر سکولارها پیروز شدند؛ اگر معتقد باشیم که در عالم سیاست هیچ چیز غیرممکن نیست، می توان انتظار ائتلاف را هم داشت، گرچه نوری ها اعلام کرده اند که قصد ائتلاف ندارند.

اشاره کردید که سلفی ها در مصر، از یک گروه و حزب تشکیل نشده اند، چگونگی این امر را بیشتر توضیح دهید؟

جمعیت های سلفی در مصر، در ۵۰ سال گذشته بالغ بر ۲۵ سازمان و گروه بودند که با نام ها و عناوین مختلف فعالیت می کردند. از جمله جنبش صالح سریه، جند الرحمن، التوقف والتبیین، الأماره، البیعه، الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، السماویه، الدعوه، القطبیون و... این گروه ها در قاهره یا استان های مختلف مصر فعالیت می کردند ولی چون رهبری برجسته ای نداشتند، به تدریج خودبخود منحل شدند. اما فعال ترین و سازمان یافته ترین گروه های سلفی در دوران سادات و مبارک، جماعت المسلمین بود که بعدها به جماعت التکفیر و الهجره معروف شد. آنها علاوه بر حاکمیت، کل جامعه را جاهل و خارج از دین خدا می دانستند. بنابراین از اعضای خود می خواستند از شهرها به روستاها یا کوه ها کوچ کنند!! از جمله اقدامات آنها ربودن شیخ ذهبی، وزیر اوقاف پیشین مصر بود؛ پیرمردی که به قتل رسید. رهبری این گروه در آن زمان، پس از صالح سریه با شکری مصطفی بود که او هم بازداشت و اعدام شد... البته همزمان با فعالیت جماعت المسلمین در قاهره سازمان جهاد اسلامی هم در اسکندریه با اندیشه سلفی افراطی، به رهبری



صهیونیست هاست که برای ایجاد واکنش از سوی اخوان و حزب النور آن را شایع کرده اند. همانطور که درباره عبدالحکیم بلحاج فرمانده کنونی ارتش لیبی در طرابلس اعلام کردند که او به سوریه رفته و با ارتش آنجا می جنگد! در حالیکه او همچنان در طرابلس لیبی است و البته یکی از تندروان اخوانی است که با دولت سوریه مخالف است. داوری در این زمینه ها را باید به بعد از تشکیل دولت جدید و انتخابات ریاست جمهوری مصر موکول کرد.

با توجه به اینکه این گروه نیز اسلامگراست گرایشات شان چه تفاوت هایی با اخوانی ها دارد؟ آیا در عرصه قدرت مصر، سلفی ها می توانند رقیبی جدی برای اخوان باشند؟

به رغم اینکه سلفی های کنونی مصر هم گرایش اسلامی دارند، ولی برنامه های آنها با اخوان تفاوت های بنیادین دارد. اخوان در واقع نماینده اسلام معتدل در منطقه است ولی سلفی ها اغلب روش های افراطی در همه زمینه ها را دنبال می کنند.

برای نمونه می توان اشاره کرد که سلفی ها در امور دینی خیلی متحجر هستند و هر نوع تجدیدطلبی و اصلاحات را بدعت و حرام می دانند؛ در همین رابطه بود که آنها قیلاً تحزب و تشکیل حزب را هم نوعی تقلید از غرب قلمداد کرده و حرام اعلام کرده بودند.

... یا در رابطه با زیارت مقابر اهل بیت باز اعلام موضع کرده و آن را حرام اعلام کرده اند. آنها برای رفع این بدعت! در مصر در اوایل بحران انقلاب جوانان هم به مقابر اهل بیت علیهم السلام در قاهره به قصد تخریب، حمله کردند که با مخالفت شدید شیخ الازهر، شیخ احمد الطیب و مفتی مصر، شیخ علی جمعه و دیگر علمای الازهر و اخوان المسلمین روبه رو شدند؛ آنها پس از چند مورد کوچک آتش سوزی و تخریب مجبور شدند، سکوت کنند.

زنان وابسته به سلفی ها در مصر نه تنها نقاب کامل بر صورت دارند بلکه برای پوشش چشم ها باید از عینک دودی استفاده کنند و این قبیل بانوان در سراسر مصر، به ویژه در قاهره به چشم می خورند. نمونه های آنها در مغرب و حتی در بلاد اروپایی هم دیده می شوند. البته معلوم نیست در زمان پیامبر اکرم(ص) اگر زنان نقاب می زدند، عینک از کجا می آوردند که اینها می خواهند زنان به سیره زنان سلف عمل کنند؟

این سلفی های افراطی شیعه را هم رافضی می دانند و تصوف و عرفان را بدعتی در دین می شمارند. در حالی که در مصر بیش از هشتاد طریقه صوفیه وجود دارد که میلیون ها نفر پیرو دارند و همه آنها البته محب اهل بیت هستند و اغلب مراسم

حجت الاسلام والمسلمین سید هادی خسروشاهی، اولین رئیس دفتر حفاظت منافع ایران در قاهره پس از انقلاب اسلامی در گفت و گویی به بررسی سیاست های سلفی های مصر و پیشینه فعالیت های آنها پرداخت. وی معتقد است که سلفی های مصر و اخوان المسلمین با وجودی که هر دو گروه هایی اسلامگرا هستند اما تفاوت های بنیادینی با هم دارند، از جمله اینکه اخوان در واقع نماینده اسلام معتدل در منطقه

هنوز در مصر حکومتی تشکیل نشده تا جایگاه احزاب مشخص شود. فقط یک پارلمان تشکیل شده که اغلب احزاب پنجاه گانه جدید الولاده و احزاب و جمعیت های قدیمی در آن نمایندگانی دارند، ولی حاکمیت اصلی همچنان با ژنرال های وابسته به حسنی مبارک است که تاکنون زمام امور را در دست دارند. البته اخیراً از طرف جمعیت ها، احزاب و جوانان انقلابی فشار زیادی بر آنها وارد شده تا انتخابات ریاست جمهوری زودتر انجام شود و ژنرال ها یا بازنشسته شوند یا به پادگان ها بازگردند.

ارتباط سلفی های مصر با سعودی ها و رژیم صهیونیستی چگونه است؟ آیا حمایت های عربستان در فعالیت های اخیر آنها تأثیر داشته است؟

اغلب گروه های سلفی مصر از حمایت های مالی و سیاسی آل سعود و آل قطر برخوردارند و چند صد میلیون دلار برای پیروزی آنان در انتخابات به این گروه ها کمک مالی کرده اند و اگر این حمایت ها و کمک ها نبود سلفی ها نمی توانستند به این موفقیت چشمگیر در انتخابات برسند، ولی پول نفت آل سعود و آل شیوخ منطقه خلیج فارس به مصر سرازیر شد، در دورترین و محروم ترین نقاط کشور بین نیازمندان توزیع گشت و آنها توانستند آرای آنها را به سوی خود جلب کنند. اما اینکه آنها با صهیونیست ها هم ارتباط دارند یا خیر، اطلاع دقیقی در دست نیست و به نوشته های غربی ها هم در این زمینه ها نمی توان اعتماد کرد، ولی به نظر من آنها وقتی آل سعود را در کنار خود دارند، دیگر نیازی به صهیونیست ها نخواهند داشت! چون فعلاً آل سعود و شیوخ منطقه وظایف صهیونیست ها و آمریکا را به عهده گرفته اند و به خوبی هم آن را انجام می دهند... به عنوان نمونه شیخ قطر، مصلح جهان اسلام شده و در هر نقطه ای با پخش دلار فعالیت دارد و حتی اسلحه صادر می کند و مخالفان بعضی از کشورها را که به آمریکا و صهیونیسم روی خوش نشان نمی دهند، تقویت می کند!

بی مناسبت نیست اشاره کنم که در بعضی از جرائد ما هم نقل شده بود که برخی از رهبران اخوان المسلمین و حزب النور گفته اند که قرارداد ننگین کمپ دیوید را محترم خواهند شمرد؛ به نظر من این ادعا صحت ندارد چون نه با منطق و برنامه های آنها سازگار است و نه با خواست مردم مسلمان مصر... ظاهراً آنچه آنها گفته اند این است که همه قراردادهای بین المللی را برای تأیید یا لغو به پارلمان ارجاع خواهند داد و نظریه پارلمان را محترم خواهند شمرد.

درواقع باید پذیرفت که اخوان و اسلامگراها با درایت سیاسی خاصی نمی خواهند پیش از تشکیل حکومت و استوار شدن امور، در همان حرکت اول خود را مغلوب

دشمن بنمایند. همانطور که در آغاز انقلاب و مسأله انتخابات هم به طور مکرر نقش خود را کم اهمیت جلوه دادند تا دچار سرنوشت تجبه نجات اسلامی الجزایر نشوند. در همین راستا حتی بعضی ها ادعا کردند که برخی از اعضای اخوان و حزب النور در قطر با صهیونیست ها ملاقات داشته اند! ولی به نظر می رسد این نوعی جنگ روانی از سوی خود

در ابتدا کمی در رابطه با سلفی های مصر و پیشینه آنها توضیح دهید؟

سلفی گری یک صفت کلی و مفهوم عام است و شامل تمام کسانی می شود که خواستار بازگشت به سیره و روش سلف صالح هستند و در واقع همه احزاب یا شخصیت هایی که خود را سلفی می دانند و می نامند، مدعی هستند که مسلمان ها باید به خویشن خویش بازگردند که همان تبعیت از سیره پیامبر اکرم(ص) و صحابه آن حضرت است. در بلاد عربی اغلب یا همه احزاب اسلامگرا در مرام نامه یا برنامه خود، سلفی بودن حزب را ذکر می کنند و در همین رابطه می بینیم که شهید شیخ حسن البنا، مؤسس اخوان المسلمین در مصر هم ضمن اعلام مواضع خود، اخوان را حرکتی سلفی می نامد، به این مفهوم که خواستار بازگشت به سیره و روش سلف صالح و حتی احیای خلافت اسلامی هستند و این مسئله را حسن البنا در کنگره پنجم جمعیت در مصر رسماً اعلام داشت که اخوان المسلمین خلافت را رمز وحدت اسلامی و نمایانگر پیوند بین ملت های مسلمان می داند که می تواند همگان را زیر یک پرچم گرد آورد و روی همین اصل بر همه مسلمانان واجب است که این مسأله و موضوع را به عنوان یک تکلیف و واجب شرعی بدانند و در راه تحقق آن اهتمام بورزند.

علاوه بر اخوان المسلمین، حزب التحرير الاسلامی هم که توسط شیخ تقی الدین نبهانی فلسطینی، تأسیس شده بود و یکی از احزاب فراگیر در دنیای عرب به شمار می رود، نخستین هدف حزب را ایجاد و احیاء خلافت اسلامی و بازگشت به سیره سلف صالح قرار داد. همچنین این حزب کتاب هایی را هم در رابطه با مسئله خلافت تألیف و منتشر ساخت که هنوز هم مورد استفاده هواداران این حزب است.

بنابراین، سلفی گری با این مفهوم کلی و عام، در همه بلاد عربی در قرون پیشین هم وجود داشته و البته در یک قرن اخیر دایره وسیع تری یافته و هواداران بیشتری در بلاد عربی - اسلامی به ویژه در مصر پیدا کرده است.

این گروه در حال حاضر چه وضعیتی در مصر دارد و در حکومت جدید جایگاه شان به چه صورت است؟

هواداران سلفی گری در مصر فقط یک گروه و یک سازمان نیستند، بلکه جمعیت ها و سازمان های کوچک و بزرگ متعددی هم اکنون در مصر به عنوان سلفی فعالیت دارند که هر گروهی هم برای خود شیخ یا مرشدی دارد و هر کدام هم طبق سلیقه مرشد خود، فتوا صادر می کند و اقداماتی را انجام می دهد. البته پیش از انقلاب جوانان در مصر، هواداران سلفی گری از هر گونه فعالیت سیاسی خود را کنار کشیده بودند و حتی بعضی از فرقه های آن، قیام علیه حسنی مبارک را حرام اعلام کردند، اما ناگهان و با احساس پیروزی انقلاب به صحنه آمدند و چندین حزب تأسیس نمودند که حزب النور و حزب الفضیله و حزب الإصلاح مصر از عمده ترین آنهاست و هر کدام هم روزنامه ای به عنوان ارگان خود منتشر می سازد. این گروه ها در انتخابات پارلمانی اخیر بعد از اخوان المسلمین که ۴۸ درصد آرا را به خود اختصاص دادند، توانستند ۲۵ درصد آرا را به دست آورند... صحبت در مورد جایگاه آنها در حکومت هنوز کمی زود است چون



به نظر هانری کربن، فلسفه و حکمت شیعی می تواند بشر را از بی معنایی نجات دهد:

حکیم غرب؛ زائر شرق



نشست "هانری کربن و عرفان شیعی" همراه با رونمایی کتاب "معبد و مکاشفه" تألیف هانری کربن و ترجمه دکتر ان شاء الله رحمتی عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی با حضور مترجم این اثر و پروفیسور یحیی بونو کارشناس فرانسوی حکمت و فلسفه اسلامی، دکتر کامران فانی، کتاب شناس و محقق و مالک شجاعی جوشقانی، کارشناس و مجری این نشست،

چندی پیش در سرای اهل قلم برگزار شد که اکنون گزارشی کوتاه از این نشست را با هم می خوانیم.

فانی: کربن مستشرق نبود

جریان ترجمه متون غربی در ایران در دوپست سال اخیر رونق بیشتری گرفته است، اما هرگز برنامه ای برای آن نداشتیم تا براساس نیازمان به ترجمه بپردازیم. همیشه این گونه است که ناشر یا مترجم اثری را ترجمه می کند که از آن کتاب یا نویسنده اش خوششان می آید. به همین دلیل، کتاب های برخی نویسندگان بزرگ به فارسی ترجمه نشده اند یا آنهایی هم که ترجمه شده ترجمه های بسیار ضعیفی دارند.

کربن نیز یکی از این نویسندگان است. کربن، بی تردید بزرگ ترین خادم فرهنگ شیعی است و همه عمرش را صرف بررسی اندیشه یک ملت کرد و آثار ژرفی را در این حوزه آفرید؛ اگر بخواهیم باطن تاریخ مان را بدانیم، نیازمند مطالعه آثار کربن هستیم.

کربن نیمی از عمرش را در ایران و نیمی دیگر را در فرانسه زندگی کرد و سال ۱۹۷۸ تقریباً اول انقلاب فوت کرد. در تمام ۳۰ سالی که در ایران زندگی می کرد، کمتر اثری از او به فارسی ترجمه شد، در حالی که در این مدت ده ها کتاب نوشت و تصحیح کرد و علاقه مندان زیادی نیز در ایران داشت، البته در سال های اخیر اوضاع ترجمه کتاب های کربن بهتر شده است. مرحوم دکتر احمد فردید و عبدالحمید گلشنی، حکمت ایرانی در اندیشه سهروردی را که جزوه ای حدود ۳۰ صفحه است، اولین بار از کربن ترجمه کردند. دکتر عیسی سپهبدی جزوه دیگر کربن به نام شگفتی فلسفه و عرفان در ایران را ترجمه کرد.

مرحوم اسدالله مبشری هم کتابی از کربن را قبل از انقلاب ترجمه کرد و مرحوم دهشیری هم کتاب ارض ملکوت را ترجمه کرد، ولی کربن در زمان حیات هرگز ندید که کتابی از او به فارسی ترجمه شود. تاریخ فلسفه اسلامی در سال ۵۰ به فارسی ترجمه شد. نیمی از کتاب تا فصل مربوط به ابن رشد، ترجمه اسدالله مبشری است و سیدجواد طباطبایی جلد دوم را ترجمه کرد. بعداً طباطبایی هر دو جلد را با یک ترجمه سلیس و روشن ارائه کرد.

ارض ملکوت با ترجمه مرحوم ضیاءالدین دهشیری توسط مرکز گفت و گوی تمدن ها در سال ۵۷ منتشر شد. کربن علاقه زیادی به شیخ احمد احسائی و مکتب شیخیه داشت.

کتاب ۱۰۰ صفحه ای از او قبل از انقلاب توسط فریدون بهمنیار پسر احمد بهمنیار با نام مکتب شیخی از حکمت الهی شیعی ترجمه و چاپ شده است.

دکتر نوذر زنوزی که جراح است هم کتاب دیگر کربن درباره حیدر آملی را در پاریس ترجمه کرده است. کربن نه محقق و مستشرق بلکه کسی است که در اندیشه های فیلسوفان ایرانی غور و سیر می کرد و با اندیشه های خود جلو می رفت و اندیشه های آنان را پرورش داده و غنی کرده است. مقدمه های فوق العاده ای بر کتاب ها و افراد مورد مطالعه اش نوشته است.

کربن دشواری نویسی بود و حاصل تفکراتش را می

نوشت. او محقق نبود که بررسی ساده ای از اندیشه فلاسفه داشته باشد، بلکه آن اندیشه ها را می گرفت و سیر و سلوک معنوی خودش را در دل این فرهنگ فطری و عقلانی بروز می داد.

بنابراین، ترجمه دقیق آثارش به فارسی کار ساده ای نیست. مترجم آثار کربن باید به نحله فکری او آشنا باشد تا دست به ترجمه آثارش نزند. همان نحله ای که پدیدار شناسی هوسرل و هایدگر از آن برمی آید.

کربن خوش اقبال است که مترجمی صاحب ذوق مانند دکتر رحمتی آثار او را ترجمه کرد. ایشان راه تازه ای را در ترجمه آثار او آغاز کرد. رحمتی آثاری مانند "تخیل خلاق در اندیشه ابن عربی" و "تمثیل عرفانی ابن سینا" از کربن را ترجمه کرد و اخیراً نیز کتاب "معبد و مکاشفه" را هم روانه بازار کرده است.

رحمتی: کربن چگونه توانست ارتباطی چنین عمیق و نافذ با فرهنگ ما برقرار کند؟! او، نکاتی را در متون فلسفی ما یافت که برای بسیاری از فلاسفه، قابل تشخیص نیستند. هر فردی نمی تواند به درک کربن از متون فلسفی برسد

رحمتی اکنون مشغول ترجمه کتاب چهار جلدی کربن با عنوان "اسلام ایرانی" است که مهم ترین اثر او محسوب می شود و حاصل تمام اندیشه ها و کارها و تحقیقات کربن است. رحمتی مقدمه های بسیار خوب و مفصلی برای این کتاب ها نوشت که مخاطب را بخوبی با اندیشه کربن آشنا می کند و او را در فضای فکری این فیلسوف فرانسوی قرار می دهد. معتمد با ترجمه های رحمتی از آثار کربن، ایرانیان او را بهتر خواهند شناخت.

بونو: کربن فیلسوف سالک بود

برای شناخت کربن باید به این سوال پاسخ داد که در تشیع چه چیزی وجود دارد که کربن آن را برای غرب مفید می داند. کربن چیزی در فلسفه و عرفان دیده بود که او را جلب کرد.

چیزی که به درد فلسفه غرب و جهان امروز و انسان معاصر می خورد. راز مهم برای کربن در تشیع که به درد فلسفه غرب می خورد حکایات تمثیلی و عرفانی است که در آثار او آمده است. از نظر او بین عقل و ذهن بعد سومی به نام خیال وجود دارد.

کربن در سال ۱۹۰۳ به دنیا آمد و ۲ سال بعد در سال ۱۹۰۵ قانون جدایی کلیسا از دولت تصویب شد. او در خانواده ای سنتی و کاتولیک متولد شد و در بیست و دو سالگی دکترای فلسفه را زیر نظر ائین ژیلسون گرفت. او در آن زمان به زبان های لاتینی و یونانی تسلط داشت و سپس شروع به آموختن عربی و سانسکریت کرد.

آشنایی او با لویی ماسینیون که متخصص عرفان اسلامی و بویژه حلاج بود، زندگی کربن را تغییر داد. او در همان دوران کتابی درباره سهروردی نوشت. به گفته خودش، از آن زمان به بعد هیچ گاه شیخ اشراق از او جدا نشد.

همچنین کربن نخستین مترجم آثار هایدگر به زبان فرانسوی است. در مجموع، ۲۰۰ اثر شامل مقاله، تصحیح، ترجمه و تألیف از او بر جای مانده است. راز مهمی که کربن در تفکر شیعی یافت، در ۳ کتاب "تمثیل های عرفانی ابن سینا"، "ارض ملکوت" و "تخیل خلاق ابن عربی" نهفته است. او بزرگ ترین مشکل غرب را جدایی وجود از فکر و علم و عقل می دانست، مشکلی که از قرن دوازدهم آغاز شد و با دکارت شدت گرفت.

در این بینش، خلأ بزرگی میان واقعیات جهانی و حقایق عقلانی وجود دارد. آنچه به نام "خیال در

عرفان" می شناسیم، این خلأ را پر می کند. این خیال در غرب، تنها برای شعرا و هنرمندان مطرح است و جایی در دنیای فلسفه ندارد، در حالی که خواب، رؤیا، وحی و نبوت با خیال درک می شوند و بدون آن قابل توجیه نیستند.

ترجمه آثار کربن دشوار است، او اصطلاحات جدیدی را در زبان فرانسه بر پایه زبان لاتینی و یونانی به کار می برد که به یقین ترجمه آنها دشوار است. او برخلاف ماسینیون یک مستشرق نبود، بلکه یک فیلسوف سالک بود.

رحمتی: کربن قابلیت فلسفه اسلامی را نشان داد
بر این باورم که اگر قرار است در حوزه تفکر، حرفی برای گفتن داشته باشیم، باید از فلسفه اسلامی آغاز کنیم، حتی فلسفه های دیگر را نیز می توان با زبان فلسفه اسلامی فهمید. فلسفه اسلامی، زبان مادری ما در فلسفه محسوب می شود.

ما آنچه را که از دل فرهنگ خودمان برخاسته، بهتر درک می کنیم تا محتوایی که ارمان غرب است. به دست آوردن تجربه فلسفی خوب و موفق تنها از راه فلسفه اسلامی محقق می شود.

باید این فلسفه را زنده جلوه داد و این مساله زمانی اتفاق می افتد که بدانیم فلسفه ای که می خوانیم، آینده ای دارد. کربن این قابلیت را در فلسفه اسلامی نشان داد. این ویژگی کربن تنها یکی از ابعاد شخصیت اوست.

نزدیک ترین راه برای ما به عنوان یک ایرانی و مسلمان برای این که یک تجربه فلسفی موفق داشته باشیم بهتر از همه از طریق مجرای فلسفه اسلامی است. فلسفه اسلامی را باید زنده مطرح کرد تا یأس و ناامیدی میان برخی دانشجویان که به دنبال این هستند که فلسفه به چه کار دنیای کنونی ما می آید برطرف شود.

هر اندازه آثار این فیلسوف را بیشتر مطالعه می کنم، بیشتر بر حیرتم افزوده می شود و این سؤال به ذهنم می رسد که او چگونه توانست ارتباطی چنین عمیق و نافذ با فرهنگ ما برقرار کند؟! کربن، نکاتی را در متون فلسفی ما یافت که برای بسیاری از فلاسفه، قابل تشخیص نیستند. هر فردی نمی تواند به درک کربن از متون فلسفی برسد.

کربن نشان می دهد که فلسفه اسلامی فلسفه امروزی است که می تواند بشر امروز را از بی معنایی نجات دهد. او حکمت اسلامی و حکمت نبوی را به شکلی که در تشیع مطرح شده، سدی محکم در مقابل عرفی شدن و تاریخی شدن و دنیایی شدن می داند.

در پی این بینش، پدیده اسطوره زدایی شکل می گیرد که کربن از آن انتقاد می کرد. او نگاه پیامبرانه به دین را راه مقابله با این مشکلات می دانست. به باور او، بهترین تفسیر از دین، در حکمت شیعی بیان شده است.

از نظر کربن مصیبت جوامع امروز، عرفی شدن، تاریخی شدن و دنیایی شدن است. کربن زمان را وسیع می بیند و انحراف مسیحیت را تجسد می داند. وقتی دین با تاریخ آغاز شد بسیاری از قصص انبیاء را باید کنار گذاشت. کربن در جلد سوم کتاب اسلام ایرانی همه حکیمان مسلمان را ریزه خوار ائمه(ع) می داند و می گوید آنچه در اندیشه فارابی، ابن سینا و سایر فیلسوفان مسلمان آمده به عینه در تعالیم ائمه(ع) آمده است.

کربن معتقد است حقیقت دین، دین نبوی است و بهترین تفسیر حقه دین نبوی، آن چیزی است که در حکمت شیعی آمده است. کربن معتقد است مذهب شیعی، مذهبی است که در دنیای امروز در مقابل عرفی شدن مبارزه می کند.

سید حسین امامی

روزنامه جام جم

احمد صالح عامر تأسیس شد که پس از مدتی تمامی اعضای آن دستگیر و به دادگاه فرستاده شدند. پس از انحلال این سازمان در سال ۱۹۸۰ م، گروه جهاد اسلامی دوم به وجود آمد که فقط نامی از آن اعلام شد اما گروه جهاد اسلامی سوم به رهبری محمد عبدالسلام فرج به وجود آمد که او رساله "الفریضه الغائبه" را منتشر کرد و هجرت از شهرها را نپذیرفت. ولی جهاد بر ضد حاکمان را واجب اعلام نمود و در همین راستا انور سادات به قتل رسید. پس از این بر تمامی رهبران و اعضای سازمان دستگیر و محاکمه شدند.

گروه سلفی الناجون من النار (نجات یافتگان از آتش) به رهبری دکتر مجدی هم یکی از سازمان های کوچک افراطی بود که با چند ترور مقامات دولتی معروف شد ولی با دستگیری اعضای آن و فرار دکتر مجدی فعالیت آن خاتمه یافت. گروه الجماعه الاسلامیه به رهبری شیخ عمر محمد عبدالرحمن هم یکی دیگر از سازمان های افراطی فعال بود که پس از ترور سادات و آزادی شیخ از زندان، توسط وی تأسیس شد و مانیفست خود را تحت عنوان "کلمه حق" منتشر ساخت. در آن کتاب در مسأله تکفیر جامعه، حکومت، جهاد و ترور طاغوتیان تجدید نظر کرد. با دستگیری و محاکمه ده ها نفر از اعضای جماعت، شیخ عبدالرحمن برای تبلیغ به آمریکا رفت و در آنجا بازداشت شد که تاکنون نیز در زندان آمریکایی ها محبوس است.

این ها سازمان های سلفی افراطی یا به قول خودشان جهادی بودند. اما دو گروه سازمان یافته تر و دور از سیاست نیز با اندیشه سلفی در مصر وجود داشت که یکی تحت عنوان جمعیت شرعیه خیریه فعالیت داشت و گستره نفوذ آن در سراسر کشور با بیش از ۳۵۰ شعبه مشخص بود. فعالیت آن بیشتر خدمات اجتماعی، آموزشی، بهداشتی و اقتصادی بود، بنابراین از نفوذ خاصی برخوردار بود. گروه دوم تحت عنوان انصار سنت محمدی در قاهره تأسیس شده بود و بیشتر فعالیت فرهنگی داشت و نشریه التوحید را منتشر می کرد. آنها به وضوح در مقالات خود افکار و هابیگری آل سعود را تبیین می کردند. و با "روافضی" و اندیشه تقریب بین مذاهب اسلامی به شدت مخالف بودند.

این دو جمعیت سلفی پس از پیروزی انقلاب به صورت رسمی و قانونی وارد میدان شدند و در واقع حزب النور را تحت پوشش خود قرار دادند و همانطور که اشاره کردم بخشی از همین سلفی ها، حسنی مبارک را ولی امر می دانستند و شرکت در تظاهرات را حرام اعلام کرده بودند حتی یکی از اعضای آن در میدان التحرير حضور یافت تا در ضرورت وجوب ترک صحنه تظاهرات سخنرانی کند! اما جوانان او را که چند هفته پیش در تلویزیون مصر هم حضور یافته و خواستار توقف تظاهرات و اجتماعات و حفظ آرامش و امنیت کشور شده بود، از میدان التحرير بیرون راندند.

اکنون مصر است و حکومت ژنرال ها و فعالیت احزاب قدیم و ۵۰ حزب جدید با اندیشه های سکولار و سلفی و توطئه های صلیبی ها و ارتجاع عرب تبلور یافته در آل سعود و آل قطر.

از: مجله "مثَلث" شماره ۱۵، مورخ ۹۰/۱۱/۲۲

نامه رسیده و توضیح بحث درباره دیداری با آیت الله سیستانی



بسم الله الرحمن الرحيم

حضور محترم مدیریت دوهفته نامه بعثت

سلام علیکم

ضمن تشکر از زحمات شما در راستای نشر

معارف اسلامی، بعرض شریف می رساند:

نشریه بعثت در شماره ۱۷ سال ۳۲ به تاریخ آذرماه ۱۳۹۰ شماره مسلسل ۱۴۱۶ مطالبی از مواقع دیدار جناب آقای شیخ حسن رمضانی با مرجع عالیقدر حضرت آیت الله سیستانی دام ظلّه به چاپ رسانده که البته شرح ماوقع این ملاقات و صحبت های طرفین به بیان خود ایشان است که بیانات آیت الله سیستانی را نقل نموده اند؛ لازم است به اطلاع مسؤولین محترم این نشریه رسانده شود که در این نقل قول گویا سعی شده است که آیت الله سیستانی موافق مباحث عرفان صاحب فصوصی جلوه داده شود؛ لذا حاشیه ای به صحبت های ایشان همراه با متن استفتاء از مرجع عالیقدر خدمتان عرضه می گردد که امید است با نشر آن موجبات رضایت امام عصر عجل الله له الفرج و ترویج مرام علمای امامیه اعلی الله کلماتهم فراهم آورده شود.

۱۳۹۰/۱۱/۱۸

جمعی از طلاب حوزه علمیه قم

باسمه تعالی

محضر مبارک آیت الله العظمی آقای سیستانی دام ظلّه العالی

با اهداء تحیات وافره به عرض عالی می رساند:

با توجه به مطالب منسوب به حضر تعالی در بعضی از سایت ها مبنی بر تأیید (عرفان صاحب فصوصی) تقاضا می شود نظر شریف را در این رابطه اعلام فرمایید.

بسمه تعالی

این جانب در ارتباط با معارف اعتقادی به روش اکابر علمای امامیه (قدس الله اسرارهم) که مطابق با آیات قرآن مجید و روایات اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) می باشد معتقد بوده و روش فوق الذکر را تأیید نمی نمایم.

۸مهرم الحرام ۱۴۳۳ هـ

علی الحسینی سیستانی

نقدی بر نقل: دیدگاه های آیت الله سیستانی درباره عرفان

۱) جناب آقای رضضانی! اگر دلنشینی برخورد حضرت آیت الله سیستانی دام ظلّه با شما دلیل بر تأیید عقاید شما و مطالب عرفان ابن عربی است، باید بدانید که برخورد ایشان با مخالفان ابن عربی و فلسفه و عرفان التقاطی نیز دلنشین و جالب است آیا معنای این مطلب چیست؟!ایشان برای عالمان مخالف فلسفه و عرفان ابن عربی هم دعا می کنند، و احوال ایشان را هم با کمال ملاطفت و مهربانی می پرسند، آیا شما از این مطالب بر چه چیزی استدلال می کنید؟!

۲) قطعاً همان طور که ایشان فرمودند کسانی که حوزه را مخالف علوم عقلی جلوه می دهند کار بسیار خطایی انجام می دهند، اما آیا علوم عقلی اسلام و حوزه، همان فلسفه و عرفان ابن عربی که گوساله پرستی را هم خدا پرستی می داندند و پیغمبری را که از گوساله پرستی نهی می کند بر خطا و بی معرفت و جاهل به توحید می دانند؟! (رجوع کنید به ممدالهمم در

شرح فصوص الحکم، ص ۵۱۴).

۳) حضرت آیت الله سیستانی دام ظلّه فرمودند که از عرفان و تصوف و حرف های شیخ حیدر آملی اطلاع دارند ولی اصلاً آنها را تأیید نفرمودند، شما چرا از طرف ایشان می گویند که حتماً آنها را قبول هم دارند؟!

۴) نزد عالمان آگاه، نظریه انسان کامل ابن عربی برای مبارزه و مقابله و معارضه با ولایت معصومین جعل شده نه تأیید آن، لذا حتی شیخ حیدر آملی که علاقمند به ابن عربی هم هست، به شدت در مقابل این امر بر می آشوبد و ابن عربی را در این مورد مورد نقد قرار می دهد!

ابن عربی خود را داناتر و حکیم تر از همه دانسته بلکه خود را به عنوان ختم ولایت، برادر قرآن می داند! و حضرت مهدی علیه السلام را برادر شمشیر می نامد! و می گوید: و أما ختم الولاية المحمدية فهو أعلم الخلق بالله لا يكون في زمانه ولا بعد زمانه أعلم بالله وبمواقع الحكم منه فهو القرآن اخوان كما أن المهدي والسيف اخوان (فتوحات ۲ جلدی، ۳۲۹/۳).

البته باید اشاره نمود که بعضی از عرفا آنسان کامل را چنین معرفی می کنند: عرفا... توحید آنها وحدت وجود است... در این مکتب انسان کامل در آخر عین خدا می شود؛ اصلاً انسان کامل حقیقی، خود خداست. (انسان کامل، شهید مرتضی مطهری، ۱۶۸).

۵) علما و اساطین مکتب - و از جمله خود حضرت آیت الله سیستانی - مطالب فلاسفه و عرفا را صحیح نمی دانند. چرا سفسطه می فرمایید و کفر قول را به جای کفر قائل ارائه می دهید؟!

و أيضاً این استفتا و پاسخ آن را ببینید:

استفتاء: خواهشمند است تعریفی از عرفان و عارف در اسلام مرقوم فرمایید و آیا افراد مخصوصی به این مقام می رسند یا برای هر کس ممکن است؟

حضرت آیت الله سیستانی:

عرفان شناخت خداوند است و عرفان واقعی آن است که انبیاء و ائمه (علیهم السلام) پرچمدار آن بودند و مردم را به سوی آن هدایت می کردند و اما مدعیان عرفان که در مقابل آنها مکتبی بنا نهاده اند پیروان باطل هستند و باید با آنها مبارزه شود. (مسائل جدید سید محسن محمودی /جلد سوم /ص ۱۹۳).

۶) نه تنها حضرت آیت الله شبیری زنجانی دام ظلّه بلکه تمامی علما و فقهای مکتب، همیشه در تعجب و شگفتی به سر می برند که چگونه ممکن است بعضی ها از افرادی مانند ابن عربی که مدافع گوساله پرستی است و انبیا را بر خطا می داند دفاع کنند! و این مطلبی است که فقهای ما همیشه به مدافعان ابی عربی گوشزد می کنند؟ اما متأسفانه عرفا و فلاسفه متوجه این کنایات ابلغ از تصریح نمی شوند.

جمعی از طلاب قم

✽ نشریه بعثت متن مصاحبه حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای شیخ حسن رمضانی را به نقل از اغلب سایت های خبری و مجله پنجره چاپ کرده بود.. و اکنون خلاصه نقد و ایضاح "جمعی از طلاب قم" را در این رابطه درج می کند و متن استفتاء از حضرت آیت الله سیستانی و پاسخ معظم له را نیز چاپ می نماید. و خود نیز علاقه ای ندارد که وارد بحثی شود که هزار سال است علماء و فضلا هر کدام برای دفاع از برداشت های خود، اقامه دعوا می کنند... بی تردید ما از عرفانی که محصول آن نینان گذاری نظام اسلامی و شخصیتی چون امام خمینی و "علامه طباطبائی و... است، دفاع می کنیم و ثنافت الفلاسفه را هم البته در بعضی موارد، می دانیم. اصولاً بر این باوریم که این قبیل بحث های دقیق و فنی باید در محافل حوزوی مورد بحث و بررسی قرار گیرد نه در تلویزیون او روزنامه های خبری...

مدیریت بعثت

پیشگفتار

قم بعد از ورود حضرت معصومه(س) قبله آمال شیعیان شد

حجت الاسلام والمسلمین مهدی رستم نژاد، عضو هیئت علمی جامعهٔ المصطفی العالمیه در مورد شخصیت حضرت معصومه(س) گفت: امام موسی بن جعفر(ع) پدر بزرگوار حضرت معصومه(س) دارای فرزندان زیادی است؛ امام رضا(ع) و حضرت معصومه(س) از یک مادر هستند. وی افزود: حضرت معصومه(س) از معدود امامزادگانی است که چند امام و معصوم(ع) راجع به عظمت ایشان صحبت کردند. حتی روایت شده که حضرت رسول(ص) هم راجع به ایشان صحبت کردند؛ همان طور که در مورد امام رضا(ع) سخنانی بیان کردند.

نویسنده کتاب تکرارپذیری حادثه عاشورا در ادامه سخنانش اظهار داشت: امام جعفر صادق(ع) قبل از اینکه حتی امام کاظم(ع) متولد شوند هم در سخنانی راجع به حضرت معصومه(س) فرمودند در قم یکی از فرزندان دفن می شود که نامش فاطمه است. حضرت فرمودند که عظمت حضرت معصومه چنان است که تمام شیعیان را می تواند شفاعت کند.

این محقق و نویسنده کشورمان بیان کرد: باید گفت که حضرت معصومه(س) از این جهت در قله است و شبیه و نظیری ندارد. حضرت معصومه(س) تنها امامزاده ای است که راجع به ایشان از یک معصوم(ع) زیارت نقل شده است. از چهار معصوم برای زیارت حضرت معصومه(س) تأکید و توصیه شده است. یکی از آثار و اجر زیارت حضرت معصومه(س) واجب شدن بهشت است.

نویسنده کتاب جلوه های پیام الهی در قرآن در ادامه سخنانش تصریح کرد: مسلماً این مقام به خاطر عظمت و مقام خود حضرت معصومه(س) است نه نسب و اینکه فرزند و یا خواهر و عمه معصوم هستند که در این صورت خیلی ها شاید این جایگاه را داشتند. افزون بر جلال و شأن خانوادگی و خاندانی آن حضرت، حضرت معصومه برخوردار از علوم و معارف و تقوای الهی است. وی با بیان اینکه حضرت معصومه(س) به دنبال سفر امام رضا(ع) به ایران وارد شدند اذعان کرد: سفر امام رضا(ع) به ایران برای ما برکت های بسیاری آورد که از جمله ورود حدود ۴ هزار نفر از فرزندان اهل بیت(ع) و شیعیان به ایران است. وقتی حضرت به ساوه رسیدند کاروان حضرت با سپاهیان حکومتی درگیر شدند و به قم رسیدند و بعد از مدت ۱۷ روز که در منزل یکی از محبان اهل بیت(ع) بودند به شهادت رسیدند. حضرت فرمودند که از پدرانم شنیدم که در قم از محبان ما زندگی می کنند، مرا به آنجا ببرید.

این استاد حوزه و دانشگاه تصریح کرد: قبل از حضور حضرت به قم تعدادی از خاندان شیعی زندگی می کردند و اصحاب و یاران امام صادق(ع) و امام کاظم(ع) مدفون بودند، حتی در حرم حضرت معصومه سه دختر امام جواد(ع) هم مدفون هستند. بعد از دفن حضرت، قم قبله آمال شیعیان می شود و وجوهی از شیعیان و بزرگان و چند طایفه از سادات رضوی و موسوی، اشعری، برقعه ای و ... به قم مهاجرت می کنند که در نتیجه قم یکی از طایفه های قدیمی نقبای یاران اهل بیت(ع) می شود؛ کسانی که واسطه مستقیم بین مردم و اهل بیت(ع) بودند.

عضو هیئت علمی جامعهٔ المصطفی (ص)العالمیه در پایان سخنانش بیان کرد: قم محل تردد و رفت و آمد شیعیان قبل از ورود حضرت معصومه(س) بود و پس از ایشان هم به سبب حضورایشان منظومه ای از شمس ها و قمرها به قم آمدند و اکنون بسیاری از سادات در اینجا دارای مزار هستند. بیش از ۴۰۰ امامزاده شناسنامه دار در استان قم هستند که نشان می دهد که چقدر مهاجرت ها زیاد بوده است. امام صادق فرمودند روزی علم از کوفه خارج و در قم ظهور می کند و به سایر بلاد کشیده می شود به گونه ای که تمام دنیا از آن بهره مند می شوند.

آسیب شناسی کتاب‌های دینی و حوزوی توسط آیت‌الله‌استادی

عضو شورای عالی حوزه‌های علمیه کشور در سیزدهمین دوره همایش کتاب سال حوزه به بررسی و آسیب شناسی آثار دینی و حوزوی پرداخت و اظهار داشت: امروز آثار حوزویان همچون هزار سال گذشته پر فروغ است؛ اما برخی کتاب‌های سست نیز در این میان وجود دارد. به گزارش رسا، آیت‌الله رضا استادی، عضو شورای عالی حوزه‌های علمیه، در سیزدهمین دوره همایش کتاب سال حوزه که در مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام قم برگزار شد، ضمن تجلیل و قدردانی از آثار مکتوب حوزویان تصریح کرد: در طول هزار سال گذشته کتاب برای حوزه یک افتخار بوده و امروز نیز چنین است.

وی افزود: خوشبختانه در هیچ مقطعی از تاریخ، حوزه‌های علمیه تالیف نامناسبی نداشته و یا اگر به ندرت اثر نامناسب وجود داشته آن را هرگز منتشر نمی کردند و در پنجاه سال اخیر نیز همین روال ادامه داشته است.

آیت‌الله استادی تصریح کرد: امروز همان تالیفات، تحقیقات و پژوهش‌های در حوزه علمیه قم و سایر حوزه‌های علمیه وجود دارد؛ اما متأسفانه گاهی در این دوره شاهد برخی آسیب‌ها هستیم که در گذشته چنین آسیبی وجود نداشت و حوزه علمیه باید در این خصوص اقدامی انجام دهد.

وی ادامه داد: در طول هزار سال گذشته همواره کتاب‌های علمی، تحقیقی و پژوهشی ماندگار وجود داشته است و این افتخار هنوز برای حوزه علمیه وجود دارد و اگر کسی کمی انصاف داشته باشد و تبعی در آثار حوزویان کند به این باور خواهد رسید.

عضو شورای عالی حوزه‌های علمیه گفت: تحقیق و پژوهش همواره کار حوزه بوده است و همه نیازهای حوزه با تالیفات گوناگون تامین شده است، یکی دیگر از افتخارات حوزه تنظیم آثار حوزویان به صورت منظم بوده است.

وی یادآور شد: هر اثری که در حوزه مبنای سست و بی پایه داشته خود به خود به فراموشی سپرده شده است؛ ولی امروز متأسفانه گاهی دیده می‌شود که برخی کتاب‌های حوزوی و دینی سست و بی مبنا منتشر می‌شود که هرگز در شان حوزه علمیه نیست.

امام جمعه قم تصریح کرد اگر قرار است به شبهات فراوان در جهان پاسخ دهیم باید با برهان، منطق و استدلال سخن گفت و هرگز خواب و خیال نمی‌تواند پاسخگوی شبهات جهان باشد.

آیت‌الله استادی یادآور شد: مسؤولان حوزوی باید با مشورت مراجع تقلید برای مقابله با کتاب‌های سست و بی پایه چاره‌ای بیاندیشند، متأسفانه وقتی برخی آثار حوزویان را افراد باسواد مطالعه می‌کنند می‌گویند این کتاب‌ها در شان حوزه نیست و باعث گمراهی افراد می‌شود.

وی تأکید کرد: امروز باید پاسخ جمعیت میلیونی را با منطق، استدلال و برهان داد، باید برای آثار و تولیدات هزینه کرد و از افراد متبحر و قلم به دست بهره، مترجمان قوی را به کار گرفت و از قلم جذاب استفاده کرد.

آیت الله مقتدایی:

علامه عسگری مرزبان اعتقادات مردم بود

فرایگری، تدریس و عمل اخلاص داشته باشند در ملکوت عظیم خواهد بود، اظهار داشت: علامه عسگری مصداق این روایت بودند و این بزرگ مرد برای خداوند تا آخر عمر از تحصیل و تدریس و عمل دست بر نداشت.

وی احیای اسلام را از اهداف تلاش های علمی علامه عسگری معرفی و خاطرنشان کرد: علامه فقط در فکر درس خواندن صرف در حجره ها نبود و دغدغه روشنگری و هدایت جوانان را داشت.

آیت الله مقتدایی با بیان این که تشکیل مدارس و دانشگاه ها از فعالیت های نمونه و کم نظیر علامه عسگری است، اظهار داشت: زمانی که دشمنان قصد داشتند قلب جوانان را از اسلام حق منحرف کنند علامه با این وجهه علمی برای مقابله با دشمنان به تشکیل مدارس پرداخت.

وی ایجاد شبهه در بین جوانان نسبت به مسایل حق و امام زمان و عقاید اسلام را از ترفندهای دشمنان اسلام دانست و گفت: علامه برای پرورش دادن افراد با اعتقاد و حضور این افراد در جامعه،

مدیر حوزه های علمیه کشور در نخستین جشنواره علامه عسگری گفت: علامه عسگری با تشکیل مدارس و دانشکده با فضا سازی مسموم دشمنان مبارزه می کردند.

آیت الله مرتضی مقتدایی، رئیس حوزه های علمیه سراسر کشور، ۲۸ بهمن ماه در یادمان نخستین جشنواره علامه عسگری با اشاره به سالروز ورود حضرت معصومه (س) به شهر مقدس قم گفت: دوری برادر و خواهر موجب شد که اما رضا(ع) ایشان را دعوت کردند که این بانوی بزرگوار در راه رسیدن به برادر در شهر مقدس قم از دنیا رفتند و امروز به برکت ایشان امروز شهر مقدس قم پایگاه مهم علمی جهان اسلام شده است.

وی با بیان این که کم افرادی هستند که جامع و ذو ابعاد باشند، ابراز داشت: علامه عسگری از جمله افرادی بودند که از نظر علمی، فکری، تقوا و دیانت جایگاه بالایی داشتند.

آیت الله مقتدایی با اشاره به این که طبق روایت، هر فردی در سه مرحله

دانشکده اصول دین را تشکیل داد.

رئیس حوزه های علمیه با اشاره به این که علامه عسگری مرزبان و محافظ مرزهای اسلام و اعتقادات بودند و از نفوذ لشکر شیطان جلوگیری می کردند، ابراز داشت: طبق این روایات مقام اینگونه علما از مجاهدان و مبارزان نظامی اسلام هزار مرتبه بالاتر است زیرا که علما مراقب دین مردم هستند ولی مجاهدان از بدن ها محافظت می کنند.

وی خطاب به روحانیان و طلاب خاطرنشان کرد: اخلاق طلاب با تدریس و رفتن بر سر کلاس حاصل نمی شود بلکه نیاز دارند در زندگی خود، بزرگی را برای به عنوان الگو انتخاب کنند.

آیت الله مقتدایی در پایان، برگزاری این همایش ها را مثبت ارزیابی کرد و گفت: تبیین شخصیت ها و فعالیت های اینگونه علما موجب الگو سازی طلاب خواهد شد و حوزویان با تأسی از این بزرگان خصوصا علامه عسگری می توانند بین درس و مسایل معنوی یک جمع بندی داشته باشند

رئیس مجلس:

روش علامه عسگری در برابر دشمنان بهترین راهکار مقابله با هجمه ها است



دکتر علی لاریجانی در یادمان نخستین جشنواره علامه عسگری دفاع از مکتب جعفری و تغییر جایگاه شیعه با منابع و میدان حریف، تتبع جدی، قلم ساده و روان، ارایه مسایل ابتکاری در حوزه های مختلف، توجه به کادر سازی و نگاه دقیق به استعمار و روش های استعمارگری را از فعالیت ها و ویژگی های کم نظیر ایشان برشمرد.

دکتر علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در یادمان نخستین جشنواره علامه عسگری با اشاره به این که شخصیت و آثار علامه برای بسیاری از مردم کشورهای اسلامی آشنا و اثرگذار است، ابراز داشت: برگزاری جشنواره بین المللی برای معرفی افکار ایشان امری لازم است که خوشبختانه این امر قرار است صورت بگیرد.

وی علامه عسگری را در جهان اسلام فردی نادر و معروف معرفی و خاطرنشان کرد: افراد علاقه مند به افکار علامه عسگری در سطح کشورهای اسلامی فراوان است هر چند که عده ای به صورت لجبازانه با افکار ایشان مقابله می کنند.

این نماینده مجلس شورای اسلامی با بیان این که بنده از قبل از انقلاب با ایشان آشنا شده ام، اظهار داشت: ابعاد وجودی ایشان گوناگون است و علامه نسبت به مسایل مهم و کانونی اسلام توجه ویژه ای داشتند.

وی دفاع از مکتب جعفری و تغییر جایگاه شیعه با منابع و میدان حریف، تتبع جدی، قلم ساده و روان، ارایه مسایل ابتکاری در حوزه های مختلف، توجه به کادر سازی و نگاه دقیق به استعمار و روش های استعمارگری را از فعالیت ها و ویژگی های کم نظیر علامه عسگری برشمرد.

لاریجانی کتاب عبدالله بن سبا را مورد توجه قرار داد و گفت: علما وجود عبدالله بن سبا را مفروض می گرفتند و لکن سخنانش را باطل اعلام می کردند اما علامه عسگری در مقابله با این اتهام به شیعه، با تتبع جدی و با توجه به مدارک دیگران اصل وجود ایشان را رد کردند و یک زلزله را خصوصا در بین وهابیان ایجاد کرد.

وی با اشاره به این که کتاب های فاخر شیعه در بلاد اسلامی مورد توجه و مطالعه قرار می گیرد، ابراز داشت: احمد طیب رئیس سابق الازهر بسیار نسبت به آثار علامه عسگری علاقمندی از خود نشان می دادند.

نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی با بیان این که امروز خصوصا از سوی وهابیان که با پول نفت علیه وحدت بین مسلمانان فعالیت می کنند، خاطرنشان کرد: روش علامه عسگری در برابر دشمنان بهترین راهکار برای مقابله با هجمه ها است.

وی با اشاره به این که علامه عسگری فردی آینده نگر بود و با افق های دور و برای آینده مسلمین دانشکده اصول دین را تأسیس کرد، گفت: برخی از مسئولین کشور عراق از دانش پژوهان این دانشکده هستند.

رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان این که حضور برخی افراد کم اطلاع از اسلام حقیقی در فعالیت های کشور موجب ضرر رسانی به کشور شده است، ابراز داشت: تشکیل این گونه دانشگاه ها موجب تقویت بنیه دینی افراد خواهد شد.

وی با اشاره به استعمار نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و اهمیت و خطر استعمار فرهنگی در این بین، گفت: توجه و حساسیت و فهم علامه در مسایل استعماری دشمنان دقیق است و این دقت از آثار ایشان فهمیده می شود.

لاریجانی در پایان با اشاره به حوادث بین المللی، با بیان این که امیر نشین های عرب، دوستان آمریکا هستند و به همین دلیل هیچ گونه مباحث حقوق بشری را در مورد این کشورها مطرح نمی کنند، ابراز داشت: به بهانه های مختلف بازی های سیاسی زیادی را برای ایران اسلامی ایجاد کردند و بعد به سراغ فرهنگ این کشور رفته اند که بعد از یازده سپتامر این حرکت ها برای مردم روشن تر شد.

گفتنی است، یادمان نخستین جشنواره علامه عسگری، پنج شنبه، ۲۷ بهمن ماه با حضور روحانیان، طلاب، دانشگاهیان، شاگردان و فرزندان علامه عسگری(ره) در مرکز همایش های دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم برگزار شد.

برترین های کتاب سال حوزه معرفی شدند

در سیزدهمین دوره همایش کتاب سال حوزه از پدیدآورندگان آثار برتر تجلیل به عمل آمد.

به گزارش خبرگزاری رسا، در سیزدهمین همایش کتاب سال حوزه که با سخنرانی آیت الله رضا استادی عضو شورای عالی حوزه های علمیه و آیت الله مرتضی مقتدایی مدیر حوزه های علمیه در مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام قم برگزار شد از برترین های کتاب و پایان نامه های سطح چهار حوزه تجلیل به عمل آمد.

آثار برتر سیزدهمین همایش کتاب سال حوزه

براساس این گزارش، شرح الحلقه الثالثه، تقریر و نگارش حجت الاسلام حیدر یعقوبی براساس دروس خارج آیت الله سیدکمال الحیدری در رشته فقه و اصول، الاعتقادات؛ پدیدآورنده موسسه الامام الهادی(ع) در گروه علمی تصحیح و تحقیق، اقتدا به محمد(ص) مترجم حجت الاسلام قاسم کاکایی در گروه علمی ترجمه، فضیلت محبت خدا و جایگاه آن در فلسفه اخلاق اسلام و مسیحیت به زبان انگلیسی نویسنده حجت الاسلام سیدمحمدرضا حجازی در گروه علمی اخلاق و عرفان به عنوان برتر معرفی شدند.

همچنین نقد و بررسی مطالعه فلسفه سیاسی اسلامی در غرب اثر حجت الاسلام محسن رضوانی در گروه علمی حقوق و علوم سیاسی، اقتصاد منابع طبیعی از منظر اسلام؛ نویسنده حجت الاسلام سعید فرهانی فرد در گروه علمی اقتصاد و مدیریت، بدیهی و نقش آن در معرفت شناسی؛ نویسنده عباس عارفی در گروه علمی فلسفه و کلام، گزارش، تحلیل و نقد نظریه امر الهی آدامز؛ نویسنده سیده منا موسوی در رشته فلسفه و کلام، بررسی تحول ایمان به خدا در دوره کودکی و نوجوانی و آغاز جوانی؛ نویسنده حجت الاسلام محمود نوذری در رشته علوم تربیتی و روانشناسی به عنوان برتر شناخته شدند.

این گزارش می افزاید، هیات داوران همچنین پژوهشی فقهی - حقوقی در جرایم مطبوعات اثر حجت الاسلام عادل ساریخانی در رشته حقوق و علوم سیاسی، حکم اشراق براساس درس های حجت الاسلام سید یدالله بزدان پناه در گروه علمی فلسفه و کلام، حقوق قراردادهای در فقه امامیه؛ نویسنده سیدحسن وحدتی شبیری، مصطفی محقق داماد، ابراهیم عبدی پور فرد و جلیل فتوانی در رشته حقوق و علوم سیاسی، منطق فهم دین؛ نویسنده حجت الاسلام علی اکبر رشاد در گروه علمی فلسفه و کلام، الهی عنایات(ترجمه کامل الزیارات به زبان اردو)، مترجم سیدشجاعت حسین رضوی در گروه علمی ترجمه را به عنوان برترین ها معرفی کردند.

این گزارش حاکی است، فهارس الشیعه؛ تالیف و تحقیق حجت الاسلام مهدی خدامیان آرانی در گروه علمی کتب مرجع، آزادی دینی از منظر حقوق بین الملل با نگاهی به رهیافت اسلامی، نویسنده حجت الاسلام سعید رهایی در رشته حقوق و علوم سیاسی، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی؛ نویسندگان محمدصادق شجاعی، محمدرضا سالاری فر در رشته علوم تربیتی و روانشناسی از دیگر آثار برتر این همایش هستند.

آثار شایسته تقدیر

التراث العربی المخطوط فی مکتبات ایران العامه اثر حجت الاسلام سیداحمد حسینی اشکوری، علم النفس فلسفی؛ تحقیق و تدوین محمدتقی یوسفی، جریان شناسی تاریخی قرائت ها و رویکردهای عاشورا از صفویه تا مشروطه اثر حجت الاسلام محسن زنجیر، نفس الرحمن فی فضائل سلمان؛ تحقیق و تصحیح ایاد کمالی اصل، فرهنگ جامع فرق اسلامی نویسنده حجت الاسلام سیدحسن خمینی، کشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار؛ تحقیق احمدعلی مجید الحلی، فلسفه تربیت اسلامی مترجم بهروز رفیعی و نقدشبهه های احمدالکاتب در انحصار ائمه در دوازده امام(ع) اثر حجت الاسلام جواد جعفری به عنوان اثر شایسته تقدیر شناخته شدند.

همچنین ضیاء الشهاب فی شرح شهاب الاخبار؛ تصحیح و تحقیق مهدی سلیمانی آشتیانی، مجموعه داستان از زندگی پیامبر و ائمه برای کودکان و نوجوانان نویسنده حجت الاسلام مرتضی دانشمند، مجموعه داستان طنز دفاع مقدس برای نوجوانان اثر محسن صالحی حاجی آبادی، رساله مصور نویسنده علیرضا محمدی نژاد، رجال همراه نویسنده حجت الاسلام محمود تقی زاده و کلام جدید اثر حسین یوسفیان از دیگر آثار شایسته تقدیر سیزدهمین همایش کتاب سال حوزه بودند.

ناشران برگزیده و نمونه

همچنین در این همایش از حجت الاسلام سیدمحمود مرعشی نجفی به عنوان سنگربان میراث جاودان اهل بیت علیهم السلام، استاد عبدالحسین حائری به عنوان فهرست نگار نمونه ایران و کتابخانه آیت الله بروجردی در بخش معرفی کتابخانه نمونه سال تجلیل به عمل آمد.

و در بخش پایانی همایش پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و پیام امام هادی(ع) به عنوان ناشر برگزیده و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، موسسه بوستان کتاب شناسی شیعه، انتشارات دارالفراقد، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، انتشارات هرمس و مکتبه و دارالمخطوطات العتبه العباسیه از کربلا به عنوان ناشران نمونه معرفی شدند.

تقریب را باید برپایه تشکیل امت

واحدۀ اسلامی سازماندهی کرد



مدیرعامل مؤسسه علامه عسکری با بیان اینکه میراث فرهنگی اسلامی همان امت واحده اسلامی است؛ تأکید کرد: فیضیه و الازهر باید تقریب را بر پایه تشکیل امت واحده اسلامی سازماندهی کنند.

حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی حسین زاده مدیرعامل مؤسسه علمی فرهنگی علامه عسکری در مورد ضرورت تقریب در جهان اسلام به خبرنگار مهر گفت: تحولات جهان اسلام و عرب طی قرن گذشته و به خصوص بعد از جنگ جهانی دوم همواره متأثر از رفتار بازیگران بین المللی و به خصوص وابسته ای به نام رژیم صهیونیستی بوده است.

وی افزود: در این میان سران کشورهای اسلامی و عربی به طرز شگرفی بر ناسیونالیسم عربی برای نقش آفرینی در تحولات پای می فشاردند و عملاً با جبهه اسلام در کشورهای خود برای حضور در صحنه مخالفت می کردند تا جایی که در مصر زمان ناصر رهبر اخوان المسلمین را به شهادت می رسانند. از طرفی عدم نقش آفرینی حوزه دین در تحولات، ناشی از پراکندگی دشمن مذهبی در میان مسلمانان هم بوده و تا زمانی که این اختلافات کاهش نمی یافت زمینه توجه یکپارچه به مسائل امت اسلامی فراهم نمی شد.

حجت الاسلام حسین زاده در مورد جایگاه الازهر و فیضیه در تقریب مذاهب اسلامی یادآور شد: شاید با توجه به اینکه طی یک قرن گذشته اسلام شیعی در فیضیه و اسلام سنی در الازهر دو نماد اصلی مذاهب اسلامی بودند و با توجه به انباشت ظرفیت های علمی، شخصیتی، معرفتی و مخاطب گزینی این دو حوزه، ظرفیت ها و توانمندی های اصلی مذاهب اسلامی را در خود نهفته داشتند و هر گونه همکاری و همفکری میان این دو، زمینه تقریب را فراهم می آورد.

مدیر بنیاد قرآن تصریح کرد: فیضیه و الازهر باید تقریب را بر پایه تشکیل امت واحده اسلامی سازماندهی کنند. این کار لازمه اش گفتگو و تضارب مداوم در همه سطوح علمی، فرهنگی و اجتماعی در میان همه صنوف تأثیرگذار بر دیدگاه های جامعه است. وی میراث فرهنگی اسلامی را همان امت واحده اسلامی خواند و افزود: روحیه تقریب آنجا تقویت می شود که ببینیم چه زمانی با هم تفاهم داشته ایم و نتایج این تفاهم چه بوده است. دشمن می گوید دوست همیشگی و دشمن همیشگی وجود ندارد فقط منافع همیشگی وجود دارد. ولی مذاهب اسلامی که همگی بر پایه امت واحده اسلامی اصالت دارند دوست همیشگی اند و منافع یا آنچه منافع ملی می خوانند تحت مصالح امت واحده اسلامی محو می شود.

حجت الاسلام حسین زاده یادآور شد: باید بدانیم گفتمان چگونه، با چه مصالح و موادی و در کجا شکل می گیرد. ما همه اینها را داریم گفتمان مقاومت الان یکی از گفتمان های مسلط در جوامع اسلامی است. ولی نه با حرف و مباحثه صرف بلکه بنا به ضرورت های عملیاتی و مصالح حیاتی جهان اسلام و در ضمن عمل شکل گرفته، پخته شده و مسلط گردید.

مدیرعامل مؤسسه علامه عسکری در پایان گفت: هنوز گفتمان تقریب تحت تأثیر یا در سایه گفتگوهای دیپلماتیک میان کشورهای اسلامی قرار دارد. در واقع دیپلماسی عمومی بسیار کارآمد و اثر بخش می تواند با استفاده از فضای مجازی و هم حقیقی، گفتمان تقریب را توسعه دهد. متأسفانه ساختار تقریب خیلی رسمی، خشک و انحصاری است می توان انتظار داشت از یک اندیشمند و عالم جهان اسلام تا حتی یک ویلاگ متعهد هم در این گفتمان سازی مشارکت داشته باشد.

استکبار همواره در صدد جدایی تفکر شیعه و سنی در مصر است

اسلامی ایران آغاز و به تدریج سراسر دنیا را تحت تأثیر خود قرار داد و به خاطر همین است که امروز حرکات و شعارهای انقلابیون مشابه همان شعارهای مردم ایران در انقلابشان بود.

وی ادامه داد: به این دلیل از این انقلاب ها به زلزله یاد می شود چون بر روی یک خط گسل اسلامی این انقلاب ها پشت سرهم در حال وقوع بوده و به زودی انشالله کل جهان را دربر خواهد گرفت.

پاکسازی دیوار بین غزه و مصر

مفتی عام سابق استرالیا در بخش دیگری از سخنان خود به وضعیت فعلی گروه اخوان المسلمین اشاره کرد و ابراز داشت: این گروه اسلامی توسط امام شهید حسن بنا تأسیس شد و بعدها بزرگانی زیادی در این مکتب پرورش و یا به آن پیوستند و امروز هم از وضعیت خوبی برخوردار بوده و انشالله آمریکا و دیگر دول استعماری به زودی ضربه نهایی را از این گروه خواهند خورد و با پیروزی این حزب در آینده نزدیک، دیوار بین غزه و مصر برداشته خواهد شد.

آینده مصر به نفع اسلام گرایان است

معاون کمیته بیداری اسلامی در بخش دیگری از سخنان خود از انقلاب مصر به عنوان انقلاب جوانان یاد کرد و ادامه داد: آنچه در این انقلاب نمود داشت حضور پرشور جوانان و نسل های نو بود که با تفکرات اسلامی در صدد تغییر حکومت بودند و در این حرکت مسلمانان نقش بسیار موثری داشتند چرا که ۹۰ درصد پارلمان را مسلمانان تشکیل می دهند.

وی دشمنان انقلاب مصر را آمریکا و اسرائیل دانست و اضافه کرد: هرچند استکبار جهانی تلاش بسیاری برای مصادره کردن بیداری های اسلامی انجام می دهند اما طبق وعده قرآن پیروزی نهایی به نفع مسلمین بوده و آینده مصر به نفع اسلام گرایان و جوانان انقلابی است.

بر پایه این گزارش، دکتر شیخ تاج الدین حامد الهلالی از علمای الازهر و عضو شورای عالی اخوان المسلمین است که به دلیل فعالیت های سیاسی در دوران حکومت مبارک از کشور مصر اخراج و به لیبی و از آنجا نیز به استرالیا تبعید شد. همچنین وی به مدت سی سال مفتی عام این کشور و امام جماعت مسجد امام علی (ع) سیدنی بود و بعد از مدتی به دلایلی، مسئول شورای استفتا در استرالیا شد و هم اکنون نیز عضو شورای هدایت های عربی در مصر و معاون کمیته بیداری اسلامی است.

امام جمعه موقت سندج:

اهانت به قرآن یعنی اهانت به همه شخصیت و

وجود مسلمانان

امام جمعه موقت سندج خاطر نشان کرد: مسلمانان باید بدانند که تنها راهکار مقابله با توطئه ها و هجمه های گسترده دشمنان اسلام، اتحاد و همبستگی بوده و هرگونه خدشه ای به این مهم موجب صدمات جبران ناپذیری به پیکره جامعه اسلامی خواهد بود.

ماموستا راستی با محکوم کردن هتک حرمت قرآن کریم توسط نیروهای اشغالگر آمریکایی در افغانستان، اظهار داشت: یهود و نصرا تا زمانی که مسلمانان را زیر سلطه خویش در نیاورند و باروهای دینی و اعتقادی آنان را مخدوش ننمایند هیچگاه آرام نخواهند نشست. وی خاطر نشان کرد: دشمنان اسلام باید بدانند که مردم مسلمان کردستان همواره برای دفاع از ارزش های اسلامی و آموزه های قرآنی آماده بوده و از اتحاد و همبستگی اسلامی خویش تا آخرین قطرات خونشان دفاع خواهند کرد.

الهلالی با اشاره به قدرت و تأثیرگذاری علوم اهل بیت (ع) و آثار شیعه، افزود: این تفکر ناب تفکری است که اطرافش دیوار کشیده شده و این حصار البته مربوط به عصر حاضر نیست بلکه از دوران های گذشته بوده و در دولت های اموی، عثمانی و مبارک وجود داشت.

عضو شورای هدایت های عربی در مصر، با بیان این مطلب که فرهنگ مقاومت از اندیشه اهل بیت (ع) برگرفته شده است، ابراز داشت: تفکر اهل بیت (ع) اندیشه ای در برابر ظلم و ستم بوده و فرهنگ مقاومت را در خود گنجانده است و چون در طول تاریخ این تفکرات برای دول ظالم و استبدادی خطر بزرگی به شمار میرفته است لذا از گسترش آن جلوگیری می شد و این تا حدی بود که بزرگترین جرم در زمان اموی دوستی با اهل بیت (ع) بود که حتی به اعدام ختم می شد.

استکبار همواره در صدد جدایی تفکر شیعه و سنی در مصر است

الهلالی با اشاره به اینکه از تفکر اهل بیت (ع) و طرفداران این مکتب در مصر همواره به اپوزیسیون یاد می شود، یادآور شد: در مصر قوانینی برای امنیت ملی طرح شده بود که مطابق آن هر هوایمی رژیم صهیونیستی یا آمریکایی می توانست وارد مصر شود اما اجازه ای در این زمینه برای ایرانیان صادر نشده بود، برای یهودیان ویزا صادر می شد اما برای علمای شیعه و ایران اجازه ای نبود.

وی اضافه کرد: اما علی رغم تمام این تلاش ها تفکر شیعی، اسلامی و مخصوصاً اهل بیت (ع) در مصر وجود داشت و علی رغم اینکه اراده هایی می خواست بین اندیشه شیعی و فضای اهل سنت در مصر ارتباطی نباشد اما تلاش هایی در برقراری این ارتباط صورت گرفت که توزیع گسترده کتب علمای شیعه از جمله این اقدام ها بود.

زلزله اسلامی دنیا را فرا خواهد گرفت

مفتی عام سابق استرالیا در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به بیداری های اخیر اسلامی به تعبیرات به کار رفته در مورد این جنبش ها اشاره کرد و گفت: در این زمینه دو تعبیر بهار عربی یا زلزله به کار می رود؛ همانطور که با آمدن بهار، نسیم بهاری و بادهای بارور آمده و نوید امید می دهند این انقلاب ها نیز این گونه هستند و نوید پیروزی اسلام را می دهند. مسئول شورای استفتا در استرالیا تأکید کرد: منشا این بادهای و نسیم آزادی بخش با بهار انقلاب

یکی از علمای الازهر و عضو گروه اخوان المسلمین با تأکید بر اندیشه ظلم ستیزی مکتب اهل بیت (ع) گفت: اندیشه اهل بیت (ع) فرهنگ عدالت خواهی و مبارزه با ستم و جور را در خود گنجانده است.

دکتر شیخ تاج الدین حامد الهلالی در دیدار با رئیس، معاونان، استادان و دانش پژوهان دانشگاه باقرالعلوم (ع) طی سخنانی با اشاره به جایگاه علمای شیعه و قم اظهار داشت: همان گونه که مکه قبله عبادات مسلمانان است، قم هم قبله علم و دانش مسلمین بوده و راه رفتن بر روی خاک این دیار موجب تقرب الهی است.

وی هم چنین با اشاره به اینکه در مصر از طول دوران گذشته علوم اسلامی، عرفانی و مخصوصاً فقه اهل بیت (ع) تدریس می شد، تصریح کرد: باتوجه به محتوا و اندیشه تفکر شیعی که مخالف ظلم بود لذا برخی جریانات سیاسی باعث شدند تا در مصر تدریس فقه اهل بیت (ع) ممنوع و جرم محسوب شود.

عضو برجسته اخوان المسلمین یادآور شد: البته هم اکنون در دانشگاه الازهر برخی دروس تدریس می شود که صد در صد اسلامی نیست ولی ما در صدد هستیم که اسلام ناب را در تمام ابعاد از جمله سیاسی، اقتصادی و نظامی به دانشجویان معرفی و تدریس کنیم.

انقلاب مصر از انقلاب اسلامی ایران الگو گرفته است

وی در ادامه سخنان خود با اشاره به الگوگیری انقلاب مصر از انقلاب اسلامی ایران، اظهار داشت: تفکر علمای شیعه از زمان های گذشته در جامعه مصر وجود داشت و کتاب هایی چون المیزان، آثار سید شرف الدین و علامه عسگری در آنجا تدریس می شد.

عضو مجمع تقریب:

سوزاندن قرآن برنامه ریزی

شده است

عضو مجمع عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و عضو مجمع علمای مسلمان تأکید کرد که سوزندان قرآن کریم به دست نیروهای آمریکایی در افغانستان، تداوم حملات غرب به اسلام برای شکستن ابهت مسلمان است. شیخ عبد الناصر جبری با اشاره به لزوم دفاع امت مسلمان از مقدسات خویش تأکید کرد که همه ملل اسلامی باید ضد تجاوزات آمریکا به مقدسات - از جمله اقدام اخیر - قیام کنند.

این عالم اهل سنت لبنان با هشدار درباره سکوت ملل مسلمان در قبال این تجاوزات، تأکید کرد که عدم مقابله یکپارچه امت مسلمان با تعدی آمریکا به باورها و مقدسات اسلامی منجر به تداوم این تجاوزات بطور گسترده تر و بزرگ تر خواهد شد.

عضو مجمع علمای مسلمان همچنین از رهبران کشورهای عربی و اسلامی خواست مواضع جمعی و جدی در قبال تجاوزات آمریکا به بلاد و مقدسات اسلامی اتخاذ کنند. شیخ جبری در بخش دیگری از سخنانش گفت، آمریکا تلاش کرد با مشغول خویش کردن ملل مسلمان و تفرقه افکنی میان آن ها سلطه خود را بر آن ها تحمیل و مقدسات شان را به بازیچه گیرد.

وی در همین راستا بر لزوم وحدت مسلمانان برای مقابله با متجاوزان به مقدسات تأکید و خواستار حل همه مشکلاتی شد که آمریکا بر ملل مسلمان تحمیل کرده است.

آیت الله تسخیری:

واکنش به هتک حرمت قرآن توسط آمریکایی ها تحت الشعاع مسائل داخلی قرار نگیرد



آیت الله محمد علی تسخیری،، در گفت و گو با (ایکنا) درباره هتک حرمت قرآن کریم توسط آمریکایی ها در افغانستان و روند رو به رشد اسلام ستیزی گفت: معتقدم اگر یک سلسله اتفاقات را در کنار هم قرار دهیم هدف دشمنان را متوجه خواهیم شد.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب اضافه کرد: این اهانت فجیعی که آمریکایی ها در افغانستان انجام دادند و اهانت هایی که در خود آمریکا نسبت به قرآن کریم انجام می گیرد، اهانتی که روز گذشته صهیونیست ها نسبت به مسجد الاقصی و نمازگزاران انجام دادند، حمله شدیدی که غرب و اتحادیه عرب علیه سوریه انجام می دهند و برپایی کنفرانس به اصطلاح رفقای سوریه که در حقیقت کنفرانس دشمنان سوریه است، تهدید اخیر رهبران رژیم صهیونیستی به نابودی لبنان در کنار مسئله تحریم ها علیه ایران و تشدید توطئه ها و محاصره ها علیه ایران اگر در کنار هم قرار دهیم می فهمیم هدف مستکبران تضعیف روحیه

امت اسلامی و تضعیف مقاومت این امت و بالاخره ایجاد زمینه برای اجرای طرح های بزرگ استکبار جهانی است.

وی اظهار کرد: لذا بنده معتقدم امت اسلامی باید آن چنان حساس باشد که عکس العمل مناسبی به تحرکات زشت استکبار جهانی و صهیونیسم بین الملل بدهد.

آیت الله تسخیری افزود: این مقدار واکنش و پاسخی که تاکنون مشاهده شده است متناسب با سطح گناه و جنایت صورت گرفته نیست.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب ادامه داد: البته مردم افغانستان واقعا در اعتراض به این هتک حرمت فداکاری کردند و بیش از ۲۰ شهید دادند. اما ملت های مسلمان باید عکس العمل شدید خود را هر چه زودتر نشان دهند تا مستکبران بفهمند نمی توانند روحیه توده های مسلمان را تضعیف کنند.

آیت الله تسخیری درباره

عکس العمل های صورت گرفته داخل ایران نسبت به این جنایت و در سایه انتخابات قرار گرفتن این اتفاق در کشور گفت: نباید اشتغالات و مسائل داخلی ما را از عکس العمل نسبت به این جنایات و هتک حرمت ها بازدارد.

وی عنوان کرد: ملت مسلمان ایران باید همیشه در طلیعه جهان اسلام باشد و باید نبض امت اسلامی باشیم. امیدواریم بتوانیم در روزهای آینده عکس العمل های مناسب و قدرتمندی از خود علیه این اتفاق نشان دهیم.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب تأکید کرد: البته فعالیت انتخاباتی حرکت اسلامی بزرگی است و دفاع از نظام جمهوری اسلامی و نشانه مقبولیت این نظام است و در مجموع گام بسیار بزرگی است.

وی در پایان گفت: ولی نباید از این مسئله غفلت کنیم که مردم ایران باید در میان مردم مسلمان جهان پیشرو باشند و در رابطه با این حرکت های استکباری واکنش مناسب را نشان دهند.

بانی دارالتقریب قاهره ایرانی است/ ایرانیان پرچمدار وحدت اسلامی هستند

شیخ قمی به دنبال وحدت جهان اسلام رفت و همکاری شیوخ الازهر با وی منجر به راه اندازی دارالتقریب شد.

وی تصریح کرد: البته در ابتدا قرار بود که "دارالوحدت" نام بگیرد اما به پیشنهاد "شیخ حسن البنا" مؤسس اخوان المسلمین به جای آن کلمه "دارالتقریب" قرار گرفت و حسن البنا در توضیح دلیل این نامگذاری به جای "دارالوحدت" که برداشت خاصی از آن ممکن است صورت بگیرد- تأکید کرد که هدف ما این نیست که مذاهب اسلامی از بین بروند چون هر کدام از این مذاهب غنای فکری، فقهی و کلامی به اسلام می دهد و باید همدیگر را بشناسند و بر روی مشترکات یکدیگر کار کنند.

وی انتشار نشریه "رساله الاسلام" به مدت ۲۰ سال را از جمله فعالیتهای ویژه دارالتقریب برشمرد و گفت: خوشبختانه مجمع تقریب مذاهب اسلامی در تهران تمام آن مجلدات نشریه را تجدید چاپ کرد و یک تاریخچه بسیار زیبایی از فکر و فعالیتهای دارالتقریب در این مجله به ثبت رسیده است.

مشاور امور بین الملل وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مورد نقش آیت الله بروجردی در این زمینه نیز گفت: بر اساس اسناد تاریخی ایشان در اواخر عمر خویش دارالتقریب را تأیید و از آن به عنوان یکی از آرمانهای خویش یاد کردند.

وی افزود: همواره در جهان اسلام اقدام و طرح از ایران بوده و عمل و حرکت و جهانی شدن این فکر توسط مصری ها بود به همین دلیل امروز تلاشهای زیادی برای جدایی ایران و مصر انجام می شود؛ چون پیوند ایران و مصر باعث بازگشت عزت و وحدت مسلمانان خواهد بود و نیز باعث دور شدن مسلمانان از افراط و تفریطهای قومی و نژادی خواهد شد. متأسفانه روابط سیاسی میان ایران و مصر بر روی فعالیتهای دارالتقریب تأثیرگذار بود.

آذرشب شرایط فعلی جهان اسلام را پیچیده و آشفته خواند و با تأکید بر ضرورت تقویت تقریب در جهان اسلام گفت: در این شرایط آشفته حضور و فعالیت افراد ضد تقریب بسیار قوی است و متأسفانه یک بسیج عمومی بین کل این نیروهای ضد تقریب در جهان اسلام جهت ایجاد تفرقه بین شیعه و سنی به وجود آمده است اما تمام این جارو جنگالها مانند کف روی آب است و آنچه مسلمانان خواهان آن هستند تفاهم، صلح و همزیستی و دوری از تعصبات است.

رئیس مرکز مطالعات فرهنگی ایران و عرب مجمع تقریب مذاهب اسلامی در پایان از فعالیت مجدد "دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه" در قاهره خبر داد و گفت: در کنفرانس اخیر وحدت اسلامی که در تهران برگزار شد مهمانان مصری از آغاز فعالیت دوباره دارالتقریب قاهره توسط مهندس قمی فرزند شیخ محمدتقی قمی خبر دادند که امیدواریم برکات آن را در جهان اسلام و حتی کشورهای اروپایی در آینده ببینیم.

«تقریب مذاهب» باید به عنوان خط

قرمز جهان اسلام مطرح شود



مدیر مرکز تحقیقات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی بر لزوم ورود مصلحان جامعه اسلامی برای ارتقاء تقریب مذاهب تأکید کرد و گفت: اگر جهان اسلام که اکنون در حال بازتعریف خود و در حال تولد جدیدی است و در غیاب تقریب این وضعیت شکل گیرد یک مناسبات غیرکارآمد و یا کم کارآمد را خواهیم داشت؛ لذا ما نیازمند یک تقریب عملی هستیم که در متن تعامل شیعه و سنی حضور پیدا کند.

حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی مدیر مرکز تحقیقات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با تأکید بر جایگاه فیضیه و الازهر در جهان اسلام به مهر گفت: فیضیه و الازهر دو نماد دو مجموعه بزرگ علمی جهان اسلام هستند و اگر این دو مرکز در یک فعالیت همسو قرار گیرند قادر خواهند بود که بخشهای عظیمی از امت اسلامی را در همان جهتی که این دو بر آن متحد شدند، قرار دهند.

وی افزود: اصولاً فیضیه پایگاه بسیار مهمی در فضای علمی شیعی است به گونه ای که توانسته است تا سرحد نماد شدن پیش برود و الازهر نیز یک نفوذ فوق العاده ای در جهان اسلام دارد و نوع نگاه و فتوا صادر کردن این مرکز با دیگر مجامع اهل سنت متفاوت و از اتقان بیشتری برخوردار است.

رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: تجربه ثابت کرده فیضیه و الازهر آمدند و بر سر ایجاد "دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه" به توافق رسیدند و برای ایجاد یک مسیر تقریبی معطوف به زدودن تعصبا و برقراری گفتگوهای علمی و تبادل نامه های تقریب ساز اتفاق کردند.

حجت الاسلام مبلغی افزود: آثار و برکات این همگرایی بین الازهر و فیضیه در کوتاهترین مدت خود را نشان داد؛ هم دارالتقریب در مصر ایجاد شد و هم مجله وزین "رساله الاسلام" به مدت ۲۰ سال منتشر شد و هم تبادلهای دیدارهای مختلفی را ایجاد کردند و بسیاری از اختلافات و تفرقه ها را زدودند و حتی کار به جایی رسید که کتب طرفین مورد توجه قرار گرفت و حتی از سوی طرفین چاپ های مجدد شد و بسیاری از جهل ها برطرف شد و تجربه نشان داد که این دو با همکاری یکدیگر در جهان اسلام بسیار مؤثر هستند و ثمرات این تبادل و تقریب تا به امروز ادامه دارد.

وی شرایط فعلی جهان اسلام را حساس خواند و گفت: تاریخ در حال شکل گیری است و همیشه فرصتهای تاریخی تکرار نمی شوند گاه این فرصتها یکبار اتفاق می افتد و در چنین حالت حساس منطقه نبود گفتمان تقریب به این معناست که مناسبات بین شیعه و سنی به صورت حداقلی شکل می گیرد و وضعیت تحول آمیز کنونی برای امت اسلامی به صورت ناقصی شکل خواهد گرفت.

وی تقریب را تکمیل کننده مناسبات عام جهان اسلام توصیف کرد و افزود: اگر جهان اسلام که اکنون در حال بازتعریف خود و در حال تولد جدیدی است و در غیاب تقریب این وضعیت شکل گیرد یک مناسبات غیرکارآمد و یا کم کارآمد را خواهیم داشت؛ لذا ما نیازمند یک تقریب عملی هستیم که در متن تعامل شیعه و سنی حضور پیدا کند و البته لازمه گامهای عملی تقریب داشتن سعه صدر بالا است.

مدیر مرکز تحقیقات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با بیان اینکه تقریب به نفع همه مسلمانان و همه مذاهب اسلامی است؛ تأکید کرد: باید مصلحان جامعه اسلامی و آنانی که قلم و زبان تأثیرگذاری دارند باید سریع تقریب را از وضعیت حاشیه ای به یک وضعیت جدی در متن ارتقا دهند.

حجت الاسلام مبلغی در پایان گفت: البته لوازم این کار این است که تقریب را فراسیاستی کنیم یعنی گاهی سیاستهای سعودیها و یا برخی از کشورها همه چیز را در محاق قرار می دهد و کارکرد همه چیز را به حداقل می رساند برای رفع این آسیب باید در گفتگوهایمان "تقریب" را جدای از مسائل سیاسی به عنوان خط قرمز جهان اسلام مطرح کنیم چون نفع همه است و اگر تقریب ایجاد شود می تواند بسیاری از مسائل سیاسی جهان اسلام را کنترل کند.

پیام تسلیت آیت الله سبحانی

در پی درگذشت

حجت الاسلام ابوالحسنی

در پی درگذشت حجت الاسلام علی ابوالحسنی (منذر) حضرت آیت الله جعفر سبحانی با صدور پیامی درگذشت این نویسنده و استاد حوزه را تسلیت گفت.

متن پیام حضرت آیت الله سبحانی بدین شرح است:

باسمه تعالی

اَنَا لَهِ وَ اَنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ

درگذشت جانگداز عالم ربانی، پژوهشگر ژرف نگر حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج شیخ علی ابوالحسنی (منذر) موجب تأثر و تألم گردید، زیرا روحانیت در ایران شخصیتی را از دست داد که با قلم روشننگر خود از ساحت ولای اهل بیت (ع) و خاندان رسالت دفاع می کرد و ولای خالص خود را نشان می داد.

وی سالیان درازی پیش از انقلاب اسلامی و پس از آن در حوزه علمیه قم، مشغول تحصیل بود و یکی از محققان برجسته موسسه امام صادق (ع) به شمار می رفت، او در سنگر دفاع از روحانیت شیعه، آثار ارزشمندی دارد. اثر برجسته او پیرامون آیت الله شیخ فضل الله نوری نشانگر اطلاعات وسیع او در تاریخ معاصر بود و توانسته است حقایق این شهید مشروطه مشروعه و خیانت دیگران را به اثبات برساند.

اشعار و نکات ادبی و سروده های ولایی او یکی از ابعاد روحی اوست. اینجانب این ضایعه بزرگ و رابه پیشگاه حضرت بقیة الله ارواحنا فداه و جامعه روحانیت بالاخص خانواده ایشان و سایر بستگان بالاخص خانواده شفیع تسلیت گفته و از خداوند بزرگ برای ایشان صبر جمیل و اجر جزیل را خواهانم و در حقیقت: از شمار دو چشم یک تن کم وز شمار خرد هزاران بیش.

اول ربیع الثانی ۱۴۳۳

جعفر سبحانی

پیام تسلیت آیت الله عزالدین

زنجان به مناسبت درگذشت

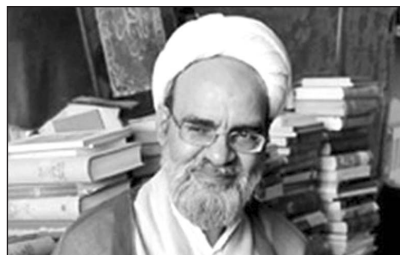
حجت الاسلام ابوالحسنی

به گزارش (ع) -ابنا - حضرت آیت الله حسینی زنجان در پی درگذشت محقق ارجمند حجه الاسلام والمسلمین علی ابوالحسنی (منذر) پیام تسلیتی صادر کردند. متن پیام معظم له بدین شرح است: بسم الله الرحمن الرحیم با نهایت تأثر و تألم با خبر شدیم که محقق پرتلاش جناب حجه الاسلام والمسلمین شیخ علی ابوالحسنی (منذر) دار فانی را وداع کرده اند. آن مرحوم به حق در حوزه مطالعات مربوط به تاریخ معاصر ایران صاحب نظر بود و در راه معرفی علمای بزرگی همچون شهید شیخ فضل الله نوری و مرحوم ملا قربانعلی زنجان، که در برابر جریان های اسلام ستیز عصر مشروطه مقاومت کرده بودند، متحمل زحمات زیادی شده و آثار تحقیقی خوبی در این زمینه از خود به یادگار گذاشت.

خصوصیت بارز ایشان در مطالعات و تحقیقات و موضوعاتی که انتخاب می کردند غیرت دینی و دین مداری بود. چند نوبتی که در مشهد مقدس میزبان ایشان بودم از نزدیک و بالعیان تلاش و صداقت و خلوص و غیرت دینی آن مرحوم را مشاهده کردم. اینجانب درگذشت ایشان را به عموم علاقمندان آن مرحوم و محققین و پژوهشگران و به خصوص بازماندگان وی تسلیت عرض کرده و برای آن مرحوم از درگاه خداوند متعال علو درجات مسئلت دارم.

مشهد مقدس محمدعزالدین الحسینی الزنجانی

مرحوم منذر در ستیز با بهایت سابقه طولانی علمی و عملی داشت



مدیر روابط عمومی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران از مرحوم ابوالحسنی (منذر) به عنوان یکی از مورخان تاریخ معاصر یاد کرد و گفت: ایشان در نقد بهایت مجاهدت علمی و عملی داشتند و کسی بود که با کتابهایش شیخ فضل الله نوری را از غربت بیرون آورد.

رضاعربی در گفتگو با مهر با اشاره به درگذشت حجت الاسلام دکتر علی ابوالحسنی (منذر) از وی به عنوان مورخ، ادیب و پژوهشگر برجسته یاد کرد و گفت: مرحوم منذر بیش از ۳۰ عنوان کتاب در حوزه تاریخ معاصر ایران نوشتند که بخش عمده آن به موضوع تاریخ مشروطه اشاره دارد.

وی با اشاره به کتب متعددی که از مرحوم ابوالحسنی در حوزه مباحث شیعی باقی مانده است؛ تصریح کرد: در حوزه بهایت یکی از فعالان یان عرصه بودند که کتابهای متعددی در نقد بهایت نوشتند و ایشان در ستیز بهایت سابقه طولانی علمی و عملی داشتند.

وی با اشاره به سابقه تدریس مرحوم منذر در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و مؤسسه امام خمینی قم، بر جهاد علمی وی در حوزه تاریخ مشروطه تأکید کرد و افزود: مرحوم ابوالحسنی کسی بود که شیخ فضل الله نوری را از غربت بیرون آورد و در تبیین گره های مشروطه و کارنامه و زمانه شیخ فضل الله نوری نقش درخشانی ایفا کرد.

وی افزود: غیرت دینی و عشق و ارادتی که مرحوم ابوالحسنی نسبت به خاندان اهل بیت (ع) داشتند زبانزد بود. غریبی افزود: از مرحوم منذر می توان به عنوان الگوی کسانی یاد کرد که دغدغه شیعه و انقلاب اسلامی را دارند. ایشان از جمله پژوهشگران برجسته کشور محسوب می شدند که کتابهای شان از استناد بالایی برخوردار است.

حجت الاسلام والمسلمین رشاد:

مرحوم «منذر» دیده بانی بیدار بود

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی گفت: مرحوم حجت الاسلام منذر دیده بانی بیدار بود و وصفی که او را از دیگران ممتاز می کرد این است که وظیفه شناس و ثابت قدم بود و بی تفاوت نبود. حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر رشاد در یادواره علمی حجت الاسلام علی ابوالحسنی (منذر) اظهار داشت: حجت الاسلام ابوالحسنی دانشمندی دلسوز، پژوهشگری محقق، زاهدی پیراسته و یک روحانی وارسته بود که عمیقاً ز مقامات و مظاهر دنیوی بریده و همه عمر را به تحقیق، پاسداری از حریم اهل بیت (ع)، استقلال و هویتی ایرانی و گفتمان انقلاب اسلامی سپری کرد.

وی افزود: همه آثار او حقاً از درون پرشور او برانگیخته شده و به حق، مقام بیدارگری دیده بان بود. حجت الاسلام رشاد با اشاره به سیره عملی او گفت: خصوصیات ابوالحسنی که او را از دیگران ممتاز کرد هوشمندی، تیزبینی در رصد معرفت است. وی ادامه داد: او دیده بان بیدار بود و وصفی که او را از دیگران ممتاز می کرد این است که وظیفه شناس بود و بی تفاوت نبود. بسیاری هستند درد را تشخیص می دهند اما طلبکارند که چرا حوزه و دانشگاه کار نمی کنند. البته حوزه در دیوار نیست بلکه من و شما هستیم. این استاد حوزه و دانشگاه تصریح کرد: از دیگر ویژگی ابوالحسنی این بود که از ثبات قدم

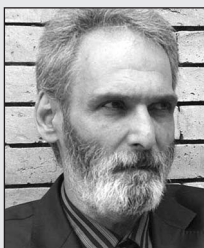
حجت الاسلام علی ابوالحسنی مشهور به منذر از نویسندگان پرکار و فعال حوزوی به شمار می رفت که چهارشنبه ۳ اسفند بر اثر عارضه قلبی درگذشت. وی که از نویسندگان و محققان فعال حوزودی بود در سال ۱۳۳۴ در تهران متولد شد و پس از گذراندن تحصیلات کلاسیک و ورود به دانشگاه، با تشویق اطرافیان خود تحصیلات حوزوی را برای فعالیت های علمی خود برگزید.

حجت الاسلام ابوالحسنی پس از ورود به قم در مدرسه حقانی که در آن زمان تحت مدیریت شهید آیه الله قدوسی قرار داشت، به تحصیل مشغول شد و پس از مدت کوتاهی، به طور آزاد در حوزه علمیه قم به ادامه تحصیل پرداخت. او در قم از محضر اساتید به نامی بهره برد، که از جمله می توان به حضرات آقایان مدرس افغانی و موسوی گرگانی، اعتمادی، راستی کاشانی، دوزدوزانی، جلال طاهرشمس گلپایگانی، موسوی تهرانی و سید علی محقق داماد (اصول فقه) اشاره کرد. وی همچنین از محضر حضرات آیات آقایان جعفر سبحانی، مصباح یزدی، حسین مظاهری، شیخ جواد کربلایی، حاج شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی بهره برد و به صورت غیررسمی دروسی چون معارف اسلامی و ولایت رانزد سید محمد کاظم قزوینی، تاریخ اسلام رانزد علامه عسکری و غرب شناسی رانزد دکتر سید احمد فرید و دکتر رضا داوری اردکانی گذراند.

گفتنی است وی در طول عمر خویش به تألیف کتاب و تنظیم مقاله در حوزه های مختلف فرهنگ اسلامی و تاریخ ایران و جهان پرداخت. در کارنامه علمی و حرفه ای او آثاری چون 'نگاهی به اصل ولایت فقیه'، 'تحلیلی سیاسی - اجتماعی از فلسفه و ضرورت ولایت فقیه و دموکراسی ارشاد شده'، 'تبیینی از فلسفه سیاسی - اجتماعی - اخلاقی فرهنگی فرقانسم'، 'نگاهی به ابعاد گوناگون جنگ صلیبی غرب با اسلام'، 'میعاد با استاد مطهری شهید راه تطهیر سیمای فرهنگ اسلامی از زنگار غرب زدگی و شرق زدگی'، 'تحلیلی از نقش سه گانه شهید شیخ فضل الله نوری در نهضت تحریم تنباکو'، 'تراز سیاست؛ جلوه هایی از سیاست و مدیریت شیخ انصاری'، 'سپاهبوشی در سوگ ائمه نور (ع)'، 'ریشه های تاریخی و مبانی فقهی' دیده می شود.

انتقاد شدید جهانگیر الماسی از

برخی سریال های تلویزیونی



جهانگیر الماسی، بازیگر باسابقه سینما و تلویزیون در گفتگو با شبستان درباره افزایش عشق های چند وجهی در سینما و تلویزیون گفت: متأسفانه در بعضی از سریال های تلویزیون

این موضوع دوباره مطرح شده و تعدادی از آثار حاضر در جشنواره فیلم فجر نیز به موضوع مثلث یا مربع های عشقی می پردازند. فیلم هایی که البته آثار روشنفکری و متعلق به جناح های مشخصی بود که همیشه این گونه مسائل را در آثار خود مطرح می کند. وی افزود: متأسفانه ما عادت کرده ایم برای مطرح کردن خود از سنت ها فاصله بگیریم. البته در دنیای معاصر تنها سنتها نجات بخش بشر نیستند و این دنیای پسامدرن می طلبد که باورهای سنتی خود را با جامعه هایی نو و متناسب با دنیای امروز بروز دهیم. اما کسانی که اینگونه آثار را می سازند گویانمی دانند که در تمام بخشهای دنیا حفظ اخلاق و خانواده مهمترین نکته در مسائل فرهنگی و هنری است.

این بازیگر با اشاره به اینکه متفکران غربی نیز به وجود بنیان اخلاقی برای حفظ جامعه معتقدند، گفت: حفظ اخلاق در جامعه ای مثل جامعه ایران از الزامات است و این به جز سعادت که در جامعه به وجود می آورد آسایش و آرامش را نیز به همراه دارد. اگر مساله ای مانند عشق های چند پهلو در تولیدات تصویری ما به وجود می آید به خاطر این است که سازندگان این آثار فکر می کنند ضد اخلاق بودن نشانه روشنفکری است در حالیکه تمام پایه گذاران بزرگ تفکر غرب همه به وجود یک بنیاد اخلاقی برای حفظ جامعه قائل بوده اند. ژان پل سارتر متفکر فرانسوی جمله معروفی دارد که می گوید اگر خدا مرده باید دوباره او را زنده کرد چون او فهمیده حراست جامعه از تلاشی شدن نیازمند یک نظام فرهنگی جلوگیری نده است.

الماسی در ادامه افزود: متأسفانه تصور بعضی از سینماگران ایرانی از دنیای نوین جامعه ای ضد اخلاقی است. کاش با خردمندی به مساله عشق های ممنوعه پرداخته می شد اما متأسفانه جذابیت های گیشه از دید بعضی از دوستان فقط از راه تن به وجود می آید و این فیلمسازان دوست دارند به جای نمایش پستی و بلندی تفکر و بینش خود یا جامعه خود، با پستی و بلندی بدن هنرمندان همه را جذب گیشه کنند و به زبانی ساده تر می خواهند با تن فروشی ایجاد جذابیت کنند. رسانه های تصویری با حرمت اند و باید به ماندگاری و حفظ جامعه در این رسانه ها توجه زیادی شود. این عقب ماندگی نیست که به دنبال حریمهای اخلاقی باشیم، حریم اخلاقی نشان دهنده تفکر جامعه است و جامعه ما نیز با یک انقلاب فکری و فرهنگی به وجود آمد.

بعث

نشریه مرکز بررسیهای اسلامی
دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

سید هادی خسروشاهی

سر دبیر:

سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائیة) نبش ممتاز

تلفن: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: مینایی

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com